

بوستان معارف

نوشته فروغ ارباب

# بوستان معارف

تقدیم بہ نوجوانان عزیز بھائی

نوشتہ فروغ ارباب

۱۳۶۵ شمسی

۱۹۸۷ میلادی

۴۳  
بلیغ

## فهرست مطالب

صفحه

۴	الف - مقدمه
۶	ب - لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۷	فصل اول - منظور خلقت
	موضوع
۷	- طبیعت چیست ؟
۸	انسان کیست ؟
۸	خالق کیست ؟
۸	رابطه خالق و مخلوق
۹	معرفت الهی
۱۱	دین و کتب آسمانی
۱۲	پیغمبران اولوالعزم و وحی الهی
۱۳	کیفیت نزول وحی
۱۵	وعدانبیاء الهی
۱۷	فصل دوم - اهمیت زندگانی در این قرن اعظم
۱۷	- زندگانی چیست ؟
۱۸	حیات ابدی
۱۹	عوالم روح
۲۱	زندگانی در این قرن اعظم موهبت است
۲۳	عظمت این امر مبارک
۲۶	اساس عقاید اهل بهاء
۲۸	عظمت کتاب اقدس
۳۰	عظمت بیت العدل اعظم
۳۱	عظمت آثار مبارک

صفحه	موضوع
۳۴	- امتیاز آثار مبارکه
۳۷	عظمت میثاق و امتحانات الهیه
۴۰	عظمت نظم بدیع
۴۳	ضیافات نوزده روزه
۴۴	پیشرفت امر الهی
۴۸	موسسه ایادی امرالله و نقش آن در پیشرفت امر الهی
۵۳	فصل سوم - انتظارات حضرت بهاء الله از اهل بهاء
۵۳	- عشق و انقطاع
۵۵	تحمل رزایا و بلایا
۵۸	خدمت و تبلیغ
۶۰	تبلیغ به اعمال است
	فصل چهارم - قسمتی از نصوص مبارکه راجع به اعمال یک بهائی
۶۴	نمونه
۶۵	- دعا و مناجات سب توجیه بحق و طلب تائید است
۶۶	امانت و صداقت از اساس دین الهی است
۶۷	انصاف و عدل از الزام امور است
۶۸	به تقوی و عفت و راستی و ادب باید تمسک جست
۶۸	تحصیل علوم و فنون فرض است
۶۸	غیبت و تهمت و افترا از منهیات است
۶۹	احترار از نزاع و جدال
	عالم به نورا اتحاد و اتفاق روشن است و حکم به معاشرت
۶۹	به .....
۷۰	اشتغال یا مورد ریا یا محرمانه اکید ممنوع است
	پرداخت حقوق الله حتمی و واجب و باعث تطهیر اموال
۷۱	است
۷۲	دخالت در سیاست بکلی منع شده
۷۵ و ۷۴	مسكرات و قمار و استعمال مواد مضره از منهیات است
۷۶	در خاتمه کتاب

## هو الابهی

امه الله فروغ ارباب که از خادمین با وفای امرو صاحب قلم و قدم در این امر اعظم میبایشد اخیرا اقدام به تالیف مجموعه مفیده بوستان معارف نموده اند که خواندن آن مخصوصا به نوجوانان و جوانان عزیز بهائی که تشنه معارف امر هستند توصیه میشود .

سرکار خانم ارباب صرف نظرا از تالیفات قبلی همواره بسیار ویر و شریک متصاعدالی الله جناب روحی ارباب که اکثر عمر خود را صرف خدمت امراقده ابهی نموده اند بوده و پس از صعود آن متصاعدالی الله به ادا مه خدمت و نشر معارف امری پرداخته و میپردازند .

توفیق ایشان را در ادا مه اینگونه خدمات از خداوند متعال خواستار است .

خاکپای دوستان

دکتر مشرف زاده

## مقدمه

دوستان عزیز و مبلغین آینده :

اکنون که فرصتی دست داده که با ردیگر مطالعه الواح و آیات و آثار مبارکه را از سرگیرم، بیش از پیش بیاد عزیزانی هستم که کمتر وقتی را اختصاص داده اند تا از گنجینه عظیمی که در این آئین الهی در دسترس ما گذارده شده بهره ببرند و از تلاوت بیانات مبارکه آنطوریکه باید و شاید کسب معلومات نمایند، لذا بر آن شدم که باین وسیله عظمت امر جمال اقدس الهی را که با تلاوت الواح مبارکه بنحو احسن نمودار میشود تا اندازه ای در این صفحات بنمایانم و در عین حال که گلچینی از آیات و دستورات الهی را در این کتاب جمع میکنم و وظیفه یک انسان واقعی و یابهای حقیقی را نشان دهم و انتظارات شارع اعظم الهی را از فرد فرد احباء متذکر گردم. باشد که آن دوستان عزیز پس از مطالعه این صفحات که تمام مطالبش مستند به بیانات مبارکه است و در بعضی موارد عینا از آثار الهی نقل گردیده استفاده کامل بنمایند و وظائف یک فرد بھائی حقیقی را عامل شوند و در حقیقت مصداق این آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس واقع شوند که می فرمایند: قوله الاحلی "ان الذین وجد عرف الرحمن و عرف مطلع هذا البیان انه یستقبل بعینه السهام لاثبات الاحکام بین الانام طوبی لمن اقبل و فاز بفصل الخطاب".

و بالاخره پس از درک عظمت این امر الهی و چشیدن حلاوت آیاتش بفرموده مبارک برای اثبات احکام و تعالیم مبارکه در بین امم و قبائل مختلفه قیام نمایند.

با وجود سعی در نوشتن با انشای ساده از آوردن بعضی کلمات مشکله مستعمله در ادبیات امری ناگزیر گردیدم و آرزو مندم که نوجوانان عزیز همتی نمایند و تا اندازه ای که میسر است اصطلاحات امریه را که در

بیانات مبارکه آمده بیا موزند ..

بتاریخ شهرالکمال ۱۳۸ بدیع  
وآگست ۱۹۸۱ میلادی و مطابق  
مرداد ۱۳۶۰ شمسی تحریر یافت

فروغ ارباب

## هوالله

ای دوستان الهی و یاران معنوی صلاهی الهی است که از ملکوت غیب ابهی برخا موشان وادی اغماء میرسد که ای خفتگان بیدار گردید و ای مخموران هشیار شوید. ای مردگان زنده شوید و ای پژمردگان تروتازه گردید و ای ساکتان ناطق شوید. ای صامتان نعره زنید بانگ بانگ میثاق است و اشراق فیض الطاف نیر آفاق نسیم ریاض احدیت است که در مرور شمیم نفحات حدائق موهبت است که در سطوع است شمع عنایت جمال قدم است که روشن در هر آنحمن است و فیض سبحان رحمت است که طراوت بخش هر گلزار و چمن است، آیت توحید است که منطوق کتاب مجید است و صحائف ملکوت رب فرید است که ناطق با سرار بل همفتی لبس من خلق جدید است. گوش بگشائید تا بانگ سرور بشنوید و چشم باز کنید تا مشاهده انوار نمائید لطف حق عمیم است و فیض قدیمش مستدیم. کورش همه انوار دورش همه آثار. مایوس نگردید نومید نشوید روزا میداست و قرن خداوند مجید. نشأه اولی است و قرن جمال ابهی روحی لعنبتہ المقدسه الفداء در هر فلکی نورش با هر و در هرافقی فیض ظاهری بزرگواریش شرق و غرب گرفتار است و آوازه خداوندیش جنوب و شمال احاطه نموده و ولوله در ارکان عالم انداخته و زلزله در اعضا آدم افکنده، عالم از این تجلی در گفتگو و جمیع ملل در جستجو شعله نار موقده در کل جهات بعنان آسمان رسیده و ندای قد ظہر النور المشہود از ارض بگوش سکان حبروت رسیده همه در جوش و خروش و سرمست با ده هوش..... الی آخربیانہ الاحلی

---

لوح مبارک حضرت عبدالبہاء روح ما سواہ فداء از مکاتیب جلد اول (ص ۲۲۴)







## فصل اول - منظور خلقت

### طبیعت چیست ؟

حضرت عبدالبهاء روح ما سرا ه فداه طبیعت را این چنین توصیف می فرمایند :

"طبیعت<sup>(۱)</sup> کیفیتی است و یا حقیقتی است که به ظاهر حیات و ممات و بعبارۀ آخری ترکیب و تحلیل کافه اشیا را جامع به اوست و این طبیعت در تحت انتظامات صحیحه و قوانین متینۀ و ترتیبات کامله و هندسه بالغه است که ابدا از اوج و زنمی کند . . . . . و چون بخود طبیعت نظر میکنی می بینی که استشعار و اراده ندارد . . . . . الی آخر بیانۀ الاحلی البته بزبان بسیار ساده میتوان گفت آنچه در عالم وجود دارد اعم از موجودات ذره بینی تا ساکنات همچنین کره زمین و کسرات آسمانی همه و همه طبیعت نامیده میشود که تحت نظام مخصوصی برقرار شده و با قوانین بخصوصی دوران میگذرانند یعنی هر یک از اجزاء آن بدون اینکه از خود اراده ای داشته باشد وظائفی را که آن محول شده انجام میدهد و چرخ گردون هرگز از حرکت باز نمی ایستد .

### انسان کیست ؟

انسان بظاهر جزئی از اجزاء طبیعت است و لکن ممتاز از جمیع کائنات است یعنی دارای قوه عاقله و شعور و ادراک می باشد که بوسیله عقل و خرد خویش در علوم و صنایع پیشرفت فوق العاده نموده و به اکتشافات و اختراعات بزرگی دست یافته بحدی که توانسته نظام طبیعی را که فاقد شعور است بر هم زند و بر موز آن دست یابد . یعنی در حقیقت انسانی که جزئی از طبیعت است بر طبیعت که کل است غالب شده آنها و خاکها و زمین و آسمان را تحت اختیار خویش در آورده و مطابق میل و اراده خویش نظامی جدید به آنها داده است

(۱) کتاب مفروضات (ص) ۲

## خالق کیست؟

با اندکی دقت و تفکر میتوان درک کرد که این کائنات شگفت‌انگیز بوجود آورنده‌ای دارد و خالق این طبیعت حیرت‌آور می‌بایستی از قدرت و نیروی فوق‌العاده برخوردار باشد. اما از آنجا که گفتیم انسان جزئی از اجزاء طبیعت است با نیروی عقل و اراده که قوی‌تر از خود طبیعت می‌باشد قدرتی دارد که میتواند نظم و ترتیب طبیعت را دگرگون سازد و اجزاء آن را مطابق میل و اراده خویش بحرکت آورد نمیتوان گفت که طبیعت جمیع موجودات حتی انسان را بوجود آورده زیرا واضح است که هرگز ضعیف نمیتواند قوی را خلق کند پس قطعاً خالق موجودات می‌بایستی دارای قوتی عظیم و قدرتی خارق‌العاده و از انسان قوی‌تر باشد که البته ما آن قدرت را خامی نامیدیم و معتقدیم تمام اجزاء طبیعت یعنی آنچه که در دنیا وجود دارد اعم از جمادات و نباتات و حیوان و انسان تحت اراده‌هاست و مخلوق دست خداوند می‌باشد!

## رابطه خالق و مخلوق

اگرچه موجودات طبیعت نظر فکنیم می‌بینیم که سوای جمادات که از داشتن ادراک و احساس محروم اند نباتات و حیوانات دارای حس و درک می‌باشند. اما انسان را خداوند اشرف مخلوقات آفریده و به بهترین صورت او را آراسته و علاوه بر قوای ظاهری که در داشتن آن قوا با حیوان شریک است به او قوای باطنی عطا کرده که بوسیله این قوا یعنی فکر و عقل و تخیل و حافظه و هوش مزیت او بر حیوان ثابت شده و بوسیله این قوا است که انسان میتواند بر مبنای تعالیم الهیه صحیح را از نادریست تشخیص دهد و راه راست را بپاید ولی کاملاً مشهود است که انسان با این همه قدرت و قوت در مقابل قدرت الهی ضعیف و بیچاره است و در تمام موارد اراده الهی بر اراده بشر غالب است و آن قوه غیبیه نوع بشر را

---

(۱) برای اطلاع بیشتر به کتاب مفاوضات مراجعه شود.

تحت اختیار خویش دارد .

گرچه مقام و ذات غیب پروردگار از دیده جمیع مخلوقات مستور و مخفی است اما هر کائنی از کائنات که در دنیا موجود است در مقام خویش نشانه‌ای از عظمت الهی است و بر قدرت غیبی او شهادت می‌دهد یعنی خداوند این طبیعت زیبا را که مورد شگفتی است بنحو احسن و جامع و کامل بنحوی خلق فرموده که جمیع مظاهرش از عظمت و جلال خداوندی حکایت می‌کند و نشان دهنده آن قوه خارق العاده می‌باشند اما این انسان بظا هر توانا هر چه بیشتر خویش را با خالق می‌سنجد بیشتر و بیشتر خود را عاجز و قاصر می‌یابد و این عجز و ناتوانی باعث می‌شود که بر بزگواری خداوند متعال گواهی دهد و او را پرستش نماید .

حضرت عبدالیهاء روح ما سوا ه فدا ه در بیانات مبارکه ثابت فرموده اند که عجز و فقر بشردلیل وجود قدرت و عنای خالق است همچنانکه جهل دلیل وجود علم می‌باشد و می‌فرمایند ، اگر خالق جامع جمیع کمالات نبود او هم مثل خلق بود و همچنین درباره تعلق حق به خلق می‌فرمایند همان طوری که آفتاب در جای خود قائم است و شعاع و نورش به احسام می‌تابد و جمیع ذرات محتاج نور آفتاب اند و بالعکس ذات آفتاب مستغنی از کره زمین است بهمین نحو تجلیات الهی توسط انبیاء و پیغمبران بر انسان صادر می‌شود و خداوند مستغنی از مادون خویش است بلکه انسان است که محتاج انوار الهی است و می‌تواند از تجلیات الهی بهره‌مند شود . (۱)

### معرفت الهی

حال که عجز و ضعف بشر در مقابل قدرت و عظمت خالق متعال مسلم شد باید بدانیم که در طی تاریخ افراد بسیاری در فکر شناسائی ذات الهی بوده اند ولی هر چه کوشیدند راه بجائی نیافتند زیرا ذات الهی خالق و بشر مخلوق دست پروردگار است و بفرموده حضرت عبدالیهاء چگونه

---

(۱) اقتیاس از بیانات مبارکه حضرت عبدالیهاء در کتاب مفاد و ذات و خطایات مبارکه

مخلوق می‌تواند پی به وجود خالق برده‌مچنانکه نقش از نقاش و پانسان از ناو و پانمیزا زنجار نمی‌تواند اطلاع حاصل کند انسان هم در مقابل قدرت خالق متعال در همان مرتبه واقع شده و دارای قوای جسمانی است لذا جسم هرگز نمی‌تواند پی به عوالم روح ببرد .

اما از آنجا نیکه خداوند در کمال رافت و مهر و محبت بشر را خلق فرمود و مظاهر طبیعت را در اختیارش گذارد تا از جمیع زیبایی‌های لذت‌بردار و برای راحت و آسایش خویش از آنها استفاده کند مایل بود که انسان قدر این موهبت را بداند و خالق این همه زیبایی و کمال را ستایش کند لذا از بین افراد بشر نفوسی را برگزید و به آنان قوت و قدرت الهی عطا کرد و انوار غیبی را آن چنان در قلوب آنان متجلی نمود که انسان می‌تواند صفات الهی را در وجود آن برگزیدگان که مریبان آسمانی هستند مشاهده نماید . یعنی با وجود آنکه شناسائی و معرفت ذات الهی ممکن نیست بواسطه شناسائی پیغمبران می‌توان به صفات و عظمت قدرت الهی پی برد و او را پرستش کرد .

بنابراین چون ذات الهی مانند آفتاب در نفس خویش قائم بوده و هست و عرفان و شناسائی حقیقت الوهیت فقط با شناسائی مظاهر الهیه ممکن و میسر است و بنا بر فرموده حضرت عبدالبهاء وجود مبارکشان آئینه‌ای است که انوار الهی در آن تجلی کرده و منعکس شده اینست که عاشقان و والهان که دل‌باختگان آستان مقدس الهی هستند در سبیل آن نفوس مقدسه جان می‌دهند . اشعار عاشقانه می‌سرایند و رقص کنان بمیدان فدای می‌شتابند . آری چه هنگامه ایست مظاهر مقدسه در راه عشق معبود جان می‌دهند و دل‌باختگان آن مظاهر الهی در اثر مشاهده انوار الهی آتش بر خرمن وجود خویش می‌زنند و در سبیل عشق آنان می‌سوزند .

## دین و کتب آسمانی

پیغمبران و پیامبریان آسمانی نفوس مقدسه‌ای هستند که از طرف خداوند برای تربیت مردم و اتحاد آنان و شناساندن صفات الهی مبعوث شده‌اند چنانکه جمال اقدس الهی میفرماید قوله الاحلی:

"مقصود از رسال رسال و انزال کتب معرفه الله و الفت و اتحاد عباد بوده" (۱)

همچنین میفرماید:

"بگوای عباد و ما یای مظلوم را بشنوید اول هرا مری و ذکر معرفت بوده‌ها و است ممدکل و مری کل و اول هرا مری که از معرفت حاصل میشود الفت و اتفاق عباد است . . . الی آخر بیان الاحلی" (۲)

پس پیغمبران و انبیای الهی برای آنکه پیام خداوند را به مردم برسانند و بشر را به الفت و اتحاد و دوستی و مهربانی که جمیع افعال پسندیده در ظل آن بوجود می‌آید دعوت کنند ادیان را تا سبب نموده‌اند و دستورات الهی را در کتابی به پیروان خویش عطا کرده‌اند که کتاب آسمانی نامیده میشود.

حضرت عبدالبهاء کیفیت دین و شریعت را این چنین تشریح میفرماید:

"شریعت روابط ضروریهاست که منبعث از حقایق کاینات است و مظاهر کلیه الهیه چون مطلع به اسرار کائنات اند لهذا واقف به آن روابط ضروریه و آنرا شریعه الله قرار دهند" (۳)

لذا ما میتوانیم یکی از تعاریف دین را بزبان ساده بگوئیم که مجموعه قوانینی که پیغمبران برای رفع احتیاجات فردی و اجتماعی انسانها از طرف قادر متعال بر مردم عرضه میدارند دین نامیده میشود. اما باید اضافه کنیم که مذهب عبارت از شعبه‌ایست که در اثر اختلافات پیروان ادیان گذشته از دین منشعب گردیده.

---

(۳) کتاب مفاوضات (ص) ۱۲۰

(۱) لوح ابن ذئب (ص) ۱۰  
(۲) کتاب اشراقات (ص) ۲۰

## پیغمبران اولوالعزم و وحی الهی

بنا بر فرمایشات مبارکه حضرت مولی الوری پیغمبران اولوالعزم مریانی هستند که صاحب وحی الهی و کتاب و شرع جدید میباشند و نفوس رابه آئین جدید دعوت میکنند و نام انبیای الهی بر آنها اطلاق میشود مانند حضرت موسی و حضرت مسیح و حضرت محمد و پیغمبران اولوالعزم دیگر در ایام گذشته .

اما در طی تاریخ بشر انبیائی بوده اند که آنان نیز برای تـسـریت نفوس اقدام کرده اند ولی صاحب وحی و شرع جدید نبوده اند بلکه از پیغمبران اولوالعزم الهام گرفته و کتب و دستورات ایشان را ترویج نموده اند مانند انبیای بنی اسرائیل و ائمه دوره اسلام و غیره .

حضرت عبدالسبأ در یکی از الواح میفرماید :

"ائمه اطهار مطالعه الهام بودند و مظاهرفیض حضرت رحمن و حسی اختصاص به حضرت رسول داشت لهذا کلام ائمه اطهار را کلام الهی نگوئیم بلکه به الهام رحمانی دانیم" (۱)

وحی یعنی کیفیت تجلی انوار الهی در وجود پیغمبران و آن حالتی است روحانی که هر یک از پیغمبران با اندازه فهم بشری آن حالت را بنوعی بیان کرده و هنگامی را که خداوند ایشان را به پیغمبری مبعوث نموده و دستورات الهی رابه آن وجودات مقدسه الغاء کرده آن راهنگام نزول وحی الهی نامیده اند .

پس در اثر نزول وحی الهی بود که آن موجودات مقدسه با قدرتی فوق تصور ما موریت خویش را بیان میکردند و درحینیکه در دست اعداء اسیر و یا تحت شکنجه و آزار بی خردان بودند با قدرت و استقامت و سرفوذ کلمه ای که خداوند بآنان عطا کرده بود آیات الهی را بیان میکردند و بدان وسیله تسخیر قلوب نموده سلطنت الهی تاسیس میکردند .

البته جمیع انبیاء اولوالعزم در این مراتب با هم شریک بودند و تفاوتی بین آنها نیست چنانکه جمال اقدس الهی میفرماید :

(۱) مائده آسمانی جلد دوم (ص) ۲۲



قوله عزبیا نه ".... جمع انبیاء هیا کل امرالله هستند که در قما ئص مختلفه ظا هر شده اندا گر بنظر لطیف ملاحظه فرما ئی همه را در یک رضوان ساکن بینی و در یک هوا طائر و بریک بساط جالس و بریک کلام ناطق و بر یک امر آ مر.... الی آ خربیا نه الاحلی" (۱)

گرچه پیغمبران الهی دارای دو جنبه انسانی و رحمانی میباشند و در جنبه انسانی با جمیع مردم شریک هستند ولی چون جنبه رحمانی و یا الهی آنان که در اثر وحی الهی است ظاهراً میگرد آیتی میشوند از قدرت الهی که نام هیا کل امرالله و یا ظهورات الهی بر آن وجودات مقدسه اطلاق میشود و کلام آنان کلام الهی نامیده میشود. برای بیان مطلب به فرمایش جمال اقدس ابهی استناد میشود تا خوانندگان این سطور آ نطوریکه با یدوشا ید این مطلب بسیار مهم را از بیانات مبارکه درک کنند و با ندازه ادراک خویش بمقامات مظاهر ظهوری برسند.

".... از قبل دو مقام از برای شمس مشرقه از مشارق الهیه بیان نمودیم یکی مقام توحید و رتبه تفرید چنانچه از قبل ذکر شد (۲) "لانفرق بین احد منهم" (۳) و مقام دیگر مقام تفصیل و عالم خلق و رتبه حدودات بشریه است..... اینست که در مقام توحید و علو تجرید اطلاق ربوبیت و الوهیت واحدیت صرفه و هویت بحت بر آن جواهر وجود شده و میشود زیرا که جمیع بر عرش ظهور الله ساکن اند و بر کرسی بطون الله واقف. یعنی ظهور الله بظهورشان ظاهر و جمال الله از جمالشان باهر. چنانچه نغمات ربوبیه از این هیا کل احدیه ظاهر شد و در مقام ثانی که مقام تمیز و تفصیل و تحدید و اشارات و دلالات ملکیه است عبودیت صرفه و فقر بحت و فنا ی بات از ایشان ظاهر..... الی آ خربیا نه الاحلی"

### کیفیت نزول وحی

در هر یک از ادوار کیفیت نزول وحی مطابق فهم بشری بنحوی بیان شده مثلادر زمان حضرت موسی در صحرائ سینا و از شجر طور برخواست و در

(۱) کتاب مستطاب ایقان (ص) ۱۱۹ (۲) کتاب مستطاب ایقان (ص) ۱۳۶

(۳) قرآن شریف سوره البقره

زمان حضرت زرتشت در خوابهای هفت گانه فرشته وهومن برایشان ظاهر شد و در زمان حضرت مسیح کبوتری از آسمان نازل شد و بر حضرت محمد جبرئیل در کوه حرا نازل و پیام الهی را بر آن حضرت ابلاغ نمود. اما حضرت اعلی چنانچه در تاریخ نبیل آمده در رویائی که مشاهده فرمودند که از خون گلوی حضرت سیدالشهداء که سر بریده آن حضرت بر درختی آویخته بودند نوشیدند و به ما موریت خطیر خود پی بردند.

اما حضرت بهاء الله جل ذکره اعلی کیفیت نزول وحی را در چند لوح مبارک بیان فرموده اند که چگونه روح اعظم بر قلب منیرشان متجلی شده از جمله در سوره هیکل وحی الهی را بنام حوریه معنوی و روح اعظم که ایشان را ما مور رسالت نموده نامیده اند و در بیان مبارک راجع به نزول وحی در سیاه چال طهران آن حالات را مشروحاً بیان فرموده اند که قسمتی از آن بیان مبارک زیبایین اوراق میگردد.

"در ایام توقف در سجن ارض طاگر چه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود ولیکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس می شد از جهت اعلای راس چیزی بر صدر میریخت بمشابه رودخانه عظیمی که از قله جبل باذرفیعی بر ارض بریزد و به آن جهت از جمیع اعضاء آثار نار ظاهر و در آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصغای آن احدی قادر نه..... الی آخر بیان نه الاحلی" (۱)

مطالعه دقیق در تاریخ امر مبارک نشان میدهد که احبائی که در موقع نزول الواح مبارکه در حضور جمال اقدس ابهی بوده اند و قسمتی از حالات الهی را مشاهده کرده اند بنحوی از خود بیخود شده که اغلب مدهوش گردیده اند. آری هیکل مبارک حالتی داشته اند که قادر بخوردن و آشامیدن نبوده اند و بیانات مبارکه مانند غیثها ظل بسا سرعت از لسان مبارک جاری بحدی که کاتب قادر بنوشتن تمام آیات مبارکه نبوده است.

---

(۱) لوح ابن ذیب (ص) ۱۷

## وعدانبیاء الہی

در ہر دوری از ادوار تاریخ کہ افراد انسانی از حق غفلت میورزیدند از اخلاق رحمانی وصفات الہی محروم میشدند و در چاہ ضلالت و گمراہی و فساد اخلاق سقوط میکردند لذا خداوند کہ آن قدرت لایزال است نفسی را بہ قوت رحمانی برای نجات آنان مامور می ساخت . اما نفوس غافلہ از شناسائی وجود مباحث رکش محروم میشدند زیرا علائم ظہور الہی را موافق رای و سلیقہ خویش نمی یافتند و پیردہ ہای او ہام کہ حضرت بہاء اللہ حل ذکرہ الاعلیٰ آنہا را "سیحات جلال" نامیدہ اند چشمان آنان را می پوشانیدہ و از شناسائی ظہورش محروم میشدند و درابتدای ہر امری جز چند نفر از مستضعفین عباد کہ عاشق و دلباختہ آن مظهر الہی بودند و جان در کف نہادہ بہ اعلائی امرش میکوشیدند اغلب ناس علیہ آنان قیام میکردند و ایشان را مسحون و یا مصلوب می ساختند در حالیکہ ہر ظہوری از ظہورات الہی در کتاب آسمانی خود بیظہور بعدی اخبار فرمودہ و با کنایات و اشارات نام و نشانی از موعود الہی دادہ است تا آنکہ قلوب صافیہ آن اشارات را در یافتہ و ظہور الہی را بشناسند .

اما در اخباری کہ برای این عصر اعظم آمدہ علاوہ بر آنکہ انبیاء الہی ہر یک بیظہور بعدی بشارت دادہ اند بہ دو ظہور دیگر ہم در زمان آخر بشارت دادہ اند کہ یکی ظہور کلی الہی است و لقاء اللہ نامیدہ و متذکر شدہ اند کہ خوش بحال نفسی کہ در آن ایام بہ لقاء اللہ فائز شود و کلامش را کہ کلام اللہ است بشنود .

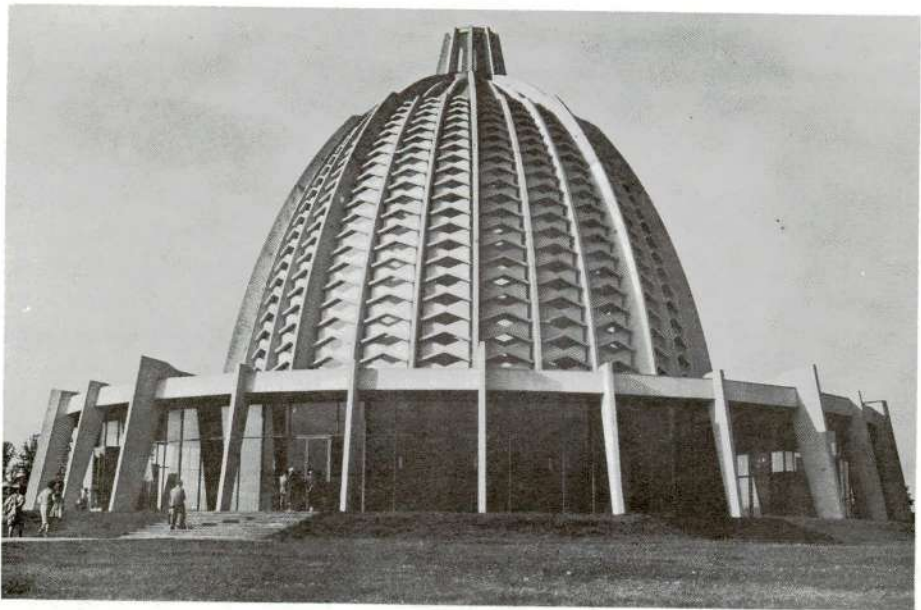
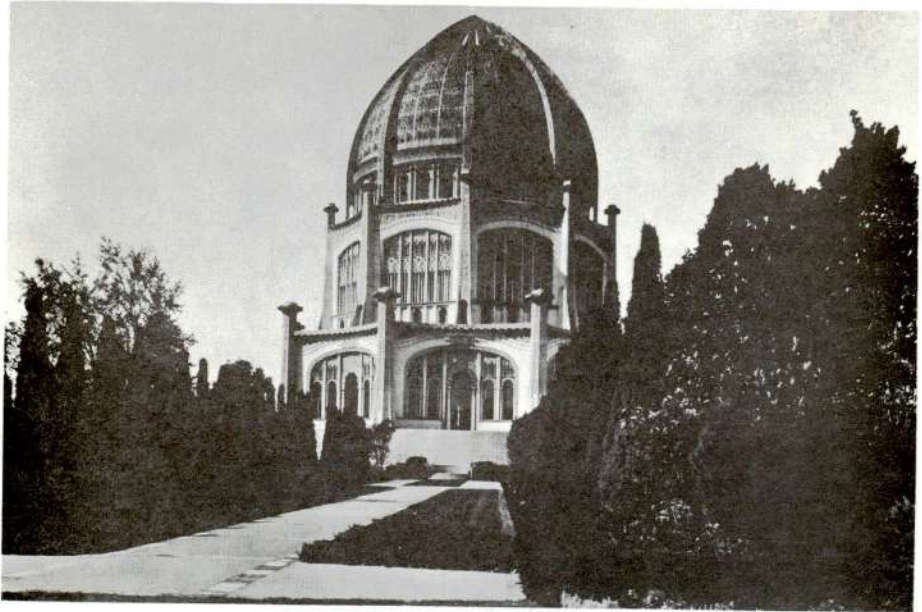
و دیگری ظہوری کہ او ہم صاحب شرع و کتاب است و آن دو ظہور باہم خواهند بود . البتہ در اخباری کہ برای روزہای آخر آمدہ در ہر یک از ادیان این دو ظہور الہی را کہ ظہور مبشر اعظم حضرت اعلیٰ و ظہور حضرت بہاء اللہ حل ذکرہ الاعلیٰ میباشند بہ نامی خواندہ شدہ اند کہ بسیار بجا است برای اطلاع خوانندگان عزیز مختصرا بیان شود .

ظہور حضرت اعلیٰ در نزد ملت یہود ظہور ایللیای نبی و در کتب مسیحیان

رجعت یوحنا ی تعمید دهند و در نزد اهل تشیع قائم موعود و در نزد اهل سنت مهدی موعود و در کتب زرتشتیان هوشیدر ماه ..... ظهور حضرت بهاء الله در کتب دیانت کلیمی رب الجنود و در کتب مسیحی مجتبی ثانی در جلال اب آسمانی، در کتب شیعه اسلام رجعت حسینی و در کتب اهل سنت ظهور روح الله، در کتب زرتشتیان شاه بهرام و در کتب هندو رجوع کریشنا، در دیانت بودا بظهور بودای پنجم بشارت داده شده، و در کتاب مستطاب بیان بلقب بهاء الله که به معنی جلال و روشنی و مجد الهی است ملقب گردیده. (۱)

---

(۱) اقتباس از کتاب گادپسزبای (لوح قرن احیای آمریکا)





## فصل دوم - اهمیت زندگانی در این قرن اعظم

### زندگانی چیست؟

در عالم خلقت خداوند زندگانی را برای انسان به دو قسم مقرر داشته یکی زندگانی جسمانی و دیگری زندگانی روحانی .  
زندگانی جسمانی مربوط به استفاده از مظاهر طبیعت و لذا از جسمانی است که انسان و حیوان در آن زندگانی شریک هستند و بفرموده حضرت عبدالیهاء اگر منظور از خلقت بشر فقط استفاده از حیات جسمانی بود انسان مزیتی بر حیوان نداشت و داشتن قوای جسمانی برای انسان هم مانند حیوانات کافی بود . اما اینکه خداوند انسان را از بیمنه جمیع کائنات برگزیده و او را به زیور عقل و کمال و ادراک آراسته به این منظور بوده که به کمک قوای روحانی که با عطا شده علاوه بر زندگانی جسمانی زندگانی روحانی را هم دارا باشد تا وجودش آئینه صفات الهی شود و کمالات ربانی از او ظاهر گردد و البته این همان انسانی خواهد بود که جمال اقدس الهی او را انسان حقیقی خوانده و مقامش را بزرگ دانسته اند و فرموده اند :

"مقام انسان بزرگ است اگر به حق و راستی تمسک نماید" (۱)  
و همچنین در یکی از الواح میفرمایند :

مقصود از کتابهای آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان بر راستی و دانائی تربیت شوند که سبب راحت خود و بندگان شود . هر امری که قلب را راحت نماید و بر بزرگی انسان بیفزاید و ناس را راضی دارد مقبول خواهد بود .

مقام انسان بلند است اگر به انسانیت مزین و الایست ترا از جمیع مخلوق مشاهده میشود . . . . . الی آخر بیانها الاحلی" (۲)

بنابر بیانات مبارکه فوق انسان حقیقی کسی است که دارای صفات الهی است و انسان در صورتی دارای صفات الهی خواهد شد که مظاهر را

(۱) کتاب عهدی در مجموعه الواح مبارکه (ص) ۴۰۰

(۲) مجموعه الواح مبارکه (ص) ۳۰۴

بشنا سد و منظور و مقصود کتب آسمانی و آیات الهی را درک کند و طبق آن اصول زندگی کند در آن صورت برای او واضح خواهد شد که زندگانی بشر نمی بایستی محصور به خور و خواب و لذت از مظاهر دنیوی و یا بعبارت دیگر محدود به زندگانی جسمانی باشد بلکه می بایستی حیات روحانی داشت تا موفق به رضای الهی گردید .

### حیات ابدی

اگر قدری در زندگانی افراد بشردقت کنیم می بینیم که زندگانی هر فردی دارای سه دوره است که هر دوره را ما عالمی مینامیم و این سه دوره یا سه عالم هیچیک از دیگری جدا نیست .

دوره اول زندگانی از عالم رحم شروع میشود که برای ورود به این عالم وسائلی که برای زندگانی انسان لازم است بتدریج فراهم می گردد و پس از اكمال اعضای بدن وارد این عالم و یا دوره دوم حیات میشود و این عالم نسبت به عالم قبل بهشت برین و مظهر الطاف رب العالمین مشاهده میکند .

اما دوره دوم هم مانند دوره اول موقت و فانی است . چندصاحی در این عالم خواهد ماند و اجباراً بحکم الهی از این مرحله زندگانی جدا میشود و وارد به مرحله سوم حیات میگردد . که آن حیات روح است و حیات ابدی است چنانچه حضرت عبدالبهاء میفرماید :

"... اما حیات دو حیات است حیات جسم و حیات روح اما حیات جسم عبارت از حیات جسمانی است اما حیات روح عبارت از هستی ملکوتی است و هستی ملکوتی استفاضه از روح الهی است و زنده شدن از نفحه روح القدس" (۱)

همچنین میفرماید :

"حیات ملکوت حیات روح است و حیات ابدی است و منزه از زمان و

(۱) مفاوضات (ص) ۱۸۲



مکان است" (۱)

و در معنی روح القدس میفرمایند:

(۲) "مقصود از روح القدس فیض الهی است و اشعه‌ها از مظهر ظهور الهی" اما باید متذکر شد که انسان همان‌طوریکه در عالم رحم بدون اطلاع از وضع این عالم به تهبه و تدارک وسائل و اعضاء بدن برای این سفر بزرگ پرداخته برای انتقال بدوره سوم حیات هم‌گه از انظار مخفی است می‌بایستی در این عالم توشه‌ای بیند و زدواین توشه و تدارک اعمال و رفتار و اخلاق روحانی او است که مربوط به روح می‌باشد.

یعنی انسان حقیقی که مقامش بزرگ است و در این دنیا علاوه بر زندگانی جسمانی زندگانی روحانی هم داشته و به صفات الهی مزین بوده و حق و مظاهر ظهورش را انکار نکرده و با انقطاع و محبت اللّٰه و تنزیه و صدق و صفا زیسته زندگی ابدی جسته.

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

"انسان باقی است و حی ابدی است لکن آنهائی که مومن بالله اند و محبت اللّٰه و ایقان دارند حیاتشان طیبه است یعنی ابدیه گفته می‌شود. اما نفوسی که محتجب از حق هستند با وجود آنکه حیات دارند اما حیاتشان ظلمانی است و نسبت به حیات مومنین عدم است." (۳)

### عوامل روح

برای آنکه بعوامل روح پی بریم میبایستی آیات و الواح مبارکه را که راجع به این موضوع بسیار مهم نازل شده زیارت کنیم زیرا تشریح آن عوامل روحانی از عهد بشر خارج است لذا چند قسمت از بیانات مبارکه عیناً نقل میشود.

حضرت عبدالبهاء در تبیین بیانات مبارکه حضرت بهاء اللّٰه راجع به روح و بشارات عالم بعد میفرمایند:

"... بدان که روح از حقائق مجرده است و حقیقت مجرده مقدس از زمان

(۱) مفاد و ضات (ص) ۱۸۳ (۲) مفاد و ضات (ص) ۸۲ (۳) مفاد و ضات (ص) ۱۸۳

و مکان است زیرا زمان و مکان از لوازم حقائق جسمانی و متحیزه است  
 حقیقت مجرد را چه زمانی و چه مکانی جسم و جسمانی نیست تا از برای  
 او مکانی تعیین کنیم، لامکان است نه امکان، جان است نه تن، لطیفه  
 الهیه است نه کثیفه جسمانی، نور است نه ظلمت، جان است نه جسد، از  
 عالم یزدان است نه کیهان، مکانش مقدس از امکانه و مقامش منزله از  
 مقامات، بلند است و مرتفع، متعالی است، و ممتنع..... اما جسد آلتی  
 است از برای روح زیرا متحرک و مرتکب و مکتسب و مَسْمُومٌ و مَحْسَنٌ روح  
 است نه جسد گنهکاری و ستمکاری و خوش خوئی و نیکوئی منبث از جان  
 و روان است نه تن ناتوان لذا همچنانکه عذاب و عقاب و سرور و آندوه  
 و حزن و طرب از احساسات روح است کذا لک پاداش و ثواب و عقاب و جزا  
 و مکافات که از نتایج اعمال حاصل راجع به روح است نه جسد.....  
 الی آخر بیا نه الاحلی" (۱)

در مقامی دیگر میفرماید:

"..... آنچه در این عالم ناسوت و عالم حدودیها اسم و رسم و بهر صورت  
 و وصف دیده و شنیده در هر عالمی از عوالم الهی ظهوری و شهودی مناسب  
 و ملایم با آن عالم دارد و با اسم دیگر و رسم دیگر و صورت و وصفی دیگر جلوه  
 مینماید و رخساره می گشاید....." (۲)

اما هیکل مبارک در باره مکافات و مجازات اعمال دنیوی افراد بشر  
 میفرماید:

همچنانکه ثمرات و نتایج حیات رحمی در آن عالم تنگ و تاریک مفقود  
 چون انتقال به این عالم وسیع نماید فوائد نشوونمای آن عالم واضح  
 و مشهود میگردد به همچنین ثواب و عقاب و نعیم و وحیم و مکافات و  
 مجازات اعمال و افعال انسان در این نشأه حاضر در نشأه آخرای  
 عالم بعد از این مشهود و معلوم میگردد" (۳)

سپس هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء پس از شرح بیاناتی که مضمونه  
 حیات این دنیا در دنیای دیگر معلوم میشود میفرماید:

(۱) مکاتیب جلد دوم (ص) ۷۰ (۲) مائده آسمانی جلد هفتم (ص) ۱۲۰  
 (۳) مکاتیب جلد اول (ص) ۲۵۱ (x) مَسْمُومٌ یعنی گناهکار و نیکوکار

"..... پس بدان که حق را عوالم غیبی هست که افکار انسانسی از ادراکش عاجز است و عقول بشری از تصورش قاصر".

### زندگانی در این قرن اعظم موهبت است

چنانکه از قبل گفته شد جمیع انبیای الهی از قبل به عظمت این عصر نورانی گواهی داده اند و بسبب ظهور کلی الهی زندگانی در این قرن را موهبتی عظیم شمرده اند و ظهورش را ظهور الله و یومش را یوم الله و لقایش را لقاء الله و کلامش را کلام الله نامیده اند و همچنین در برخی از گفتار انبیاء آمده که خوشا بحال کسی که در این ایام باشد و عظمت این قرن را مشاهده کند. انبیای گذشته آنچه بشارت باین ظهور اعظم و قرن اتم داده اند همه حکایت از عظمت و بزرگی و جلال این قرن میکند. قرنی که بحسب ظاهر هم در اثر ظهور نیر اعظم دارای افتخارات عظیمه است. قرن اختراعات و اکتشافات و پیشرفت علوم ظاهر است. در این قرن ظهوری واقع شد که دارای دو مقام امنع الهی بود ابتدا ظهور حضرت نقطه اولی و مبشر ظهور کلی الهی یعنی جمال قدم میباش که بنا بر فرموده حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا حضرت اعلی مرکز وحدانیت الهیه و صاحب شرع جدید و کتب آسمانی بودند و بنحویکه در کمال قدرت احکام دینت اسلام را نسخ فرمودند و تعالیمی جدید بعالم عرضه داشتند.

همچنین هیکل مبارک حضرت ولی امر الله راجع به امر مبارک حضرت رب اعلی بیاناتی بدین مضمون در توقیعات مبارکه فرموده اند که از عظمت ظهور این بس که ظهور مبشر اعظمش مصادف با اختتام کسور آدم و افتتاح کور<sup>(۱)</sup> حضرت بهاء الله بود، همچنین الواح و آثار مبارکه ایشان به اشد فصاحت و بلاغت بنحویکه در هیچیک از آثار انبیاء قبل سابقه

(۱) راجع بکور حضرت بهاء الله در کتاب گایدیسیای و ترجمه آن قرن بدیع جلد دوم صفحه ۷۶ بیاناتی باین مضمون آمده که ظهور حضرت بهاء الله تاج و هاج قرون گذشته و عالیترین مقصود و منظور ادوار کسور آدم بوده و با طلوع این ظهور اعظم دور جدیدی که امتدادش کمتر از هزار سال نخواهد بود و کوری که مدت آن از پانصد هزار سال کمتر نمیشود آغاز گردید.

نداشته‌ها را ی مطالب عالی‌علمی و فلسفی و شامل تعبیرات مشکلات ادیان گذشته بود. به قسمی که توجه دانشمندان و علمای عصر را جلب کرد. همچنین آن مبشر اعظم سینه مبارکش را در راه عشق معبود که به ظهورش بشارت میداد به صدها گلوله سپرد و بهمین قسم قیام پیروان نازنینش که پس از دانستن عظمت و قدرت کلامش که بعضی از زیارت‌الواح و برخی با الهامات غیبی بوجود مبارک مومن شده بودند در راه امر مبارکش خود را فدا کردند که البته تمام اینها از عظمت امر حضرت نقطه اولی حکایت مینماید.

اما مقام دیگر ظهور کلی الهی یعنی جمال اقدس الهی که بلافاصله پس از نه سال اتفاق افتاد را ی عظمتی بود که چشم جهانیان را خیره کرد با وجود گرفتاری و مسجونگی وجود مبارک نزول آنهمه آیات الهی و دعوت اهل عالم برای استقرار صلح عمومی و وحدت عالم انسانی عظمت آئین الهی را بخوبی ظاهر میسازد و همچنین نزول الواح سلاطین در عین مسجونگی با چنان قدرت و اقتداری نازل شد که آوازه اش توجه جهانیان را بخود جلب کرد و دانشمندان سراسر دنیا بر عظمت این آئین الهی گواهی دادند و پس از آنهم در مدت بسیار کمی در اثر مجاهدات مبین عظیم الشان مرکز میثاق و ولی نازنین امر الهی نظم بدیع جهان آرایش که انبیای قبل بآن بشارت داده‌اند در دنیا مستقر گردید که ما اکنون شاهد آن عظمت هستیم و بیت العدل اعظم موعود کتاب مستطاب اقدس تشکیل گردید و تحقق بشارت‌های دیگر چون صلح اصغر و صلح اکبر و تشکیل محکمه کبری که نشانه استقرار کامل نظم بدیع در عالم میباشند در پیش است.

پس آیا نمیتوان گفت زندگانی در این قرن موهبتی است عظیم و خوشا بحال ما که در قرن جمال مبارک زیست میکنیم و ظهور کلی الهی را که مرکز تجلیات کامل الهی است میشناسیم و میستائیم و آیاتش را که کلام الهی و ناجی آلام و دردهای بشری است تلاوت میکنیم؟

بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح شاهداین مطالب است که میفرمایند:

"ملاحظه کن که این قرن چه قرن عظیم است و این عصر چه عصر کبیر... پس شکر کن خدا را که در چنین قرنی بعالم وجود آمدی که قرن حقیقت است و عصر حضرت احدیت ابواب گشوده و حجبات دریده و اوها مات متلاشی گشته حتی فنون و علوم مادی بدرجه ای رسیده که یک طفل بیشتر مطلع از فلاسفه قبل است (۱)

حضرت ولی امرالله ارواحنا لاله الفداء در لوح قرن بافتخار احیای ایران قسمتی از بیانات حضرت عبدالبهاء را نقل می نماید که فرموده اند:

"جمع اولیاء در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آنی از ایام الله را مینمودند و در این حسرت از این عالم فانی بجهان باقی شتافتند." (۲)

### عظمت این امر مبارک

برای وصف عظمت این روز مبارک قلم عباد و بندگان الهی از نوشتن قاصرو عا جزا است لذا بسیار باحسا است که عظمت این روز مبارک را در آیات و الواح جستجو کنیم.

جمال اقدس الهی در عظمت آئین حضرت رب اعلی در کتاب مبارک ایقان پس از نقل حدیث اسلامی راجع به بیست و هفت حرف علم می فرماید:

"حال ملاحظه فرمائید که علم را بیست و هفت حرف معین فرموده و جمیع انبیاء از آدم الی خاتم دو حرف آن را بیان فرموده اند و برای این دو حرف مبعوث شده اند و میفرمایند قاطباً هر میفرماید این بیست و پنج حرف را از این بیان قدر و رتبه آن حضرت را ملاحظه فرمائید که قدرش اعظم از کل انبیاء و امراش اعلی و ارفع از عرفان و ادراک کل اولیاء است.." (۳)

حضرت عبدالبهاء در تفسیر این بیانات مبارکه ترقیات مادی این

(۱) مکاتیب جلد سوم (ص) ۳۰۸ (۲) لوح قرن ایران (ص) ۹  
(۳) کتاب ایقان (ص) ۱۸۹

عصر را مثال آورده و آنرا عنوان روحانیات دانسته میفرمایند :

"مقصود اینست که آنچه در قرون اولی از فضائل عالم انسانی به حیرت ظهور پیوست در عرصه شهود جلوه نمود از علوم و فنون و مختصرات و اکتشافات و مشروعات و اسرار کائنات و حقایق موجودات کل بمنزله دو حرف است اما آنچه بعد از ظهور قائم ظاهر خواهد شد از اسرار عالم و حقایق اشیاء و صنایع و بدایع و معلومات عالم انسانی و سر مکنون و رمز مضمون بمنزله بیست و پنج حرف ، چنانچه ملاحظه مینمائی که بعد از ظهور قائم چه امور عظیمه حاصل شده است . . . در مادیات ملاحظه کن که عنوان روحانیات است " . (۱)

حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلی در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند :

"قد فتحننا ختم الرحیق المختوم با صابع القدرة والاقتدار" (۲)

و همچنین هیکل مبارک در لوحی میفرمایند : "امروز روزی است که جمیع اسرار کتب الهی در آن ظاهر و مشهود است طوبی از برای کسیکه ندایش را شنید و از رحیق مختومش آشامید" . (۳)

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

"خمر معانی این ظهور است که از قبل بر حریق مختوم ذکر شده که در کلمات مستورا است و به خاتم عز مختوم" . (۴)

البته واضح است که آثار عظمت امر مبارک در جمیع الواح و آیات مبارکه مشاهده میشود اما اینکه در الواح مبارکه حضرت بهاء الله و کتاب مستطاب ایقان و آیات و تفاسیر حضرت رب اعلی جمیع اسرار الهی مکشوف شده و وعود الهی در ادیان گذشته تحقق یافته و مسائل مشکله تبیین شده یعنی ختم رحیق مختوم برداشته شده نکتهای است بسیار مهم و قابل ستایش . اما افسوس که بعضی از عباد غافلین باز هم معانی را درک نکرده و همچنان در وادی جهل سرگردان مانده اند چنانچه حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

(۱) مائده آسمانی جلد دوم (ص) ۸ (۲) در کتاب اسرار آثار جلد چهارم رحیق مختوم بمعنی شراب مهر کرده آمده (ص) ۹ که در احادیث اسلامی باز کردن آن مهر بعد از ظهور کلی الهی گذاشته شده (۳) آثار قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۲۲۴ (۴) رحیق مختوم جلد دوم (ص) ۲۷۹

"جميع علما و فقها و رجال ارض ذكر حق را شنیده اند و همچنین ذکر کوثر و سلسیل را لکن در این ایام که مکلم طور بر عرش مستوی و فرات رحمت و سلسیل بیان و کوشه عرفان از زمین و یسار جاری و ریحی علم از قلم رحمن ساری اهل ارض از آن ممنوع و بی نصیب الا من شاء الله". (۱)

جمال اقدس الهی در الواح مبارکه مکرر ذکر عظمت امروز را فرموده اند که به ذکر چند فقره ذیل قناعت میشود.

"مروزافق سماء ظهور از اراده حق جل جلاله روشن و منیر است و در جمیع احوال حق بنفسه ندا می فرماید و عباد خود را بافق اعلی دعوت می نماید لکن خلق غافل و محجوب". (۲)

"بگولله الحمدا مروزافق سماء عرفان به آفتاب حقیقت روشن و منور مکلم طور بر عرش ظهور مستوی از خفیف سدره منتهی کلمه مبارکه قداتی الموعودا صغاء میشود". (۳)

"نیکوست حال نفوسیکه در این یوم که سیدایا ما ست از بحر عرفان آشا میدند و بمقام ایقان فائز گشتند". (۴)

"عندلیب بقا بر افنان سدره منتهی در کل احوال به این بیان ناطق: ای دوستان قدرایا مرحمن را بدانید و بجان بشرش بشتا بیدایین ایامی است که شبه و مثل ندانسته و نخواهد داشت نفاش محیی جانها است و فکوحا تش مفرح دلها از آنچه غیراوست بگذرید و بدوست توجه نمائید. امروز روزیست که جمال قدم من غیر ستر و حجاب ظاهر است و اسم اعظم من غیر استار مشهود با فضلش بروجه احباب مفتوح گشته و عنایتش کل را احاطه فرموده. ای دوستان بکمال انقطاع با توجه نماید تا از بحر وصالش بیاشا میدوایر ریحی مختومش قسمت برید". (۵)

و بالاخره اضافه میشود که حضرت ولی عزیزا مرالله در لوح قرن قسمتی از بیانات مبارکه راجع بعظمت امر مبارک را نقل فرموده و سپس می فرماید:

اگر از عظمت یوم الهی ما هو علیه ذکر شود البته اکثرناس منصع شوند

- (۱) اسرار آلاثر جلد چهارم (ص) ۹ (۲) آثر قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۲۰۰  
 (۳) مجموعه الواح مبارکه (ص) ۱۶۲ (۴) آثر قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۱۱۵  
 (۵) آثر قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۲۴

بلکه صُرعی مشاهده گردد". و همچنین میفرمایند:  
 "حضرت اعلی با قدرت و اختیارات انبیای اولوالعزم ظاهر شدند و  
 عمای رسالت مستقله را بنحوی که در هیچیک از ظهورات قبل سابقه  
 نداشته دریدا قنطار گرفته". (۱) و البته این رایکی دیگر از دلائل  
 عظمت امر مبارک ذکر فرموده اند.

### اساس عقائد اهل بهاء

حضرت عبدالبهاء روح ماسوا هفداه در الواح وصایا اساس عقائد اهل  
 بهاء را چنین بیان فرموده اند:

"اساس عقائد اهل بهاء روحی لهم الفدا حضرت رب اعلی مظهر وحدانیت  
 و فردانیت الهیه و مبشر جمال قدم حضرت جمال ابهی روحی لاحیائه  
 الثابتین فداه مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه و مادون  
 کلّ عبأ دله و کل با مره یعملون. مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر  
 منصوصه راجع به بیت عدل عمومی .... الی آخر بیان الاهی".

همچنین در بیانی دیگری میفرمایند:

"حضرت اعلی صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجاء و مبشر نیسر  
 اعظم ابهی و جمال مبارک موعود جمیع کتب و زبر و الواح و ظهور مجلی  
 طور در سدره سینا و ما عدا کل بنده آستانیم و احقر یا سیان". (۲)  
 از بیانات مبارکه فوق چنین نتیجه میگیریم که ظهور حضرت رب اعلی  
 که مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه هستند با ظهور جمال اقدس ابهی که  
 مطلع حقیقت الهی باشند تشکیل ظهور اعظمی را داده اند که ظهورات  
 گذشته آنرا ظهور کلی الهیه نامیده اند احکام الهی در کتاب مستطاب  
 اقدس نازل شده و جمیع احواء میبایستی بآن کتاب مقدس رجوع کنند  
 اما احکامی هم هستند که در کتاب نازل نشده و آنها مسائل غیر منصوصه  
 هستند که میبایستی بیت العدل اعظم الهی آنهارا وضع کنند.

اما حضرت عبدالبهاء که از قلم اعلی لقب سرالله گرفته اند و در الواح

(۱) ترجمه دوربهائی (ص) ۴۲ (۲) در کتاب دوربهائی بقلم حضرت ولی  
 امر الله نقل شده ترجمه (ص) ۴۹



مبارکه غصن اعظم نامیده شده اند مبین امر الله میباشند و بنص صریح  
هیكل مبارکشان که میفرمایند: "عبدالبهاء مبین است نه شارع"  
وجود مبارک خویشان را بنده بهاء خوانده و هیچگونه لقب و مقامی را  
قبول نفرموده اند و در یکی از الواح میفرمایند:

"مقصود از نبوات در خصوص رب الجنود و مسیح موعود مراد جمال قدم و  
حضرت اعلی است نام من عبدالبهاء است صفت من عبدالبهاء است ،  
نعت من عبدالبهاء است ، رفیت به جمال قدم اکلیل جلیل و تاج و هاج  
من است و خدمت بنوع انسان آئین قدیم من . . . . . الی آخربیانہ الاحلی<sup>(۱)</sup>  
حضرت عبدالبهاء بنا بر نص کتاب مستطاب اقدس و کتاب مقدس عهدی  
بمقام مبین انتخاب شده اند در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند :  
"ادا غیض بحر الوصال و قضا کتاب المبدأ فی المال توجهوا الی من  
اراده الله الذی انشعب من هذا الصل القديم".

و در کتاب عهدی میفرمایند :

"وصیت الله آنکه بایدا غمان و افنان و منتسبین طراً به غصن اعظم  
ناظر باشند . . . . . و پس از آنکه آیه مبارک فوق را نقل میفرمایند  
اضافه میکنند که مقصود از این آیه غصن اعظم بوده ".  
اما پس از صعود حضرت عبدالبهاء بنا بر نص الواح مبارکه و صایا حضرت  
شوقی افندی بمقام تبیین یعنی ولایت امر الله انتخاب شدند . در  
الواح و صایا این کلمات عالیات نازل :

"ای یاران با وفای عبدالبهاء باید فرع دو شجره مبارکه و ثمره دو  
سدره رحمانیه شوقی افندی را نهایت مواظبت نماید که غبارک سدره  
حزنی بر خاطر نورانش ننشیند و روز بروز فرح و سرور و روحانیتش  
زیاده گردد تا شجره بارور شود زیرا اوست ولی امر الله بعد از عبدالبهاء  
و جمیع افنان و ایادی و احبای الهی بایدا طاعت او نمایند و توجه  
با و کنند . . . الی آخربیانہ الاحلی".

همچنین حضرت عبدالبهاء در لوحی در حق ایشان هنگامیکه هند و زدر

(۱) در ترجمه دوربهائی (ص) ۶۶ نقل شده از لوح مبارک

سنین کودکی بوده اند فرمودند :

"ان هذا السرّ مضمون في صدف الامرا المختوم كاللؤلؤ المكنون وسيلوح انواره ويشرق آثاره ويظهر اسرارها". (۱)

هیکل مبارک حضرت ولی امرالله مقامی و شانی را برای خویش جایز ندانسته و از عبودیت صرفه برخوردار بوده اند در باره مقام حضرت عبدالبهاء بیاناتی باین مضمون فرموده اند :

"که حضرت عبدالبهاء مقام خاصی را دارا می باشند که کاملاً مقام مبشر و مؤسس امرالله متفاوت است اما بوسیله عهد و میثاقی که حضرت بهاء الله با ایشان تفویض فرموده اند با آن دو ذات مقدس جمعاً هیاکل سه گانه آئینی را تشکیل میدهند که در تاریخ روحانی عالمی سابقه است". (۲)

### عظمت کتاب اقدس

جمال اقدس ابهی در یکی از الواح راجع به کتاب مستطاب اقدس میفرماید : قوله عزبیا نه

"کتاب اقدس از ملکوت مقدس الهی نازل باید کل بآن عمل نمایند قسم بمربی امکان که بحر حیوان در او مستور است و نوحه رحمن از او در هوب نیکو است حال نفوسیکه بآن تشبث نمودند و تمسک جستند". (۳)

در باره کتاب مستطاب اقدس که ام الکتاب نامیده میشود از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله بیانات مفصله نازل شده و مقام و اهمیت آن را بیان فرموده اند همچنین محققین و دانشمندان امر بهائی شهادت داده اند که علاوه بر فضائل و خصایصی که آن کتاب مقدس از لحاظ وضع احکام و مناهی و دستورات و تشکیلات بدیع و انذارات سلاطین و علما در بردارد از نظر فصاحت و بلاغت و سلاست و سمیمهولت و عذوبت بنوعی بدیع و جدید است که در هیچیک از ادوار سابقه نداشته و حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای آمریکا پس از بیانات مفصله

(۱) ترجمه دوربهائی (ص) ۸۱ نقل از لوح مبارک در مکاتیب

(۲) ترجمه دوربهائی (ص) ۵۳ (۳) ماژده آسمانی جلد هشتم (ص) ۱۲۱

راجع بعظمت این کتاب مقدس آن را "منشور مدنیت جهانی" نام نهاده اند و بیان فرموده اند که تاریخ نزول آن در سال (۱۸۷۳) میلادی پس از انتقال هیکل مبارک حضرت بهاء الله به بیت عهدی خمار همان اوقاتی که آن وجود مقدس گرفتار مصائب و بلاهای بی اندازه از طرف دشمنان خارج و داخل بوده اند میباشد و در بیانات مشروحه خویش القاب مفصله کتاب اقدس را بیان فرموده اند که بواسطه جلوگیری از تطویل کلام از ذکر آنها خودداری میشود فقط باید متذکر شد که می فرماید این کتاب مقدس بزرگترین امتیازی را که داراست اینست که برخلاف کتب آسمانی گذشته که بوسیله پیروان آن ادیان جمع آوری شده از اول تا آخر آن از قلم شارع اعظم نازل شده و بیان میفرمایند که این سفر کریم نه تنها شامل احکام و قوانین و قواعدی است که نظم بدیع الهی بر آن قائم است بلکه وظیفه تبیین و تفسیر آیات را عهده مبین امر الهی معین فرموده و تشکیل موسساتی را که حافظ وحدت و جامعیت امر الهی است امر فرموده اند این کتاب مقدس که مخصوصن لئالی الهیه است از نظروضع احکام و تعالیم و تاسیسات و موسسات بدیعی و همچنین <sup>تعیین</sup> جانشین شارع اعظم مرکز میثاق و تشکیل بیت العدل اعظم الهی و وظائف محوله بر آن موسسه منیع در تاریخ ادیان بی نظیر است و خطایات مهمنه ای که از لسان مبارک به سلاطین و ملوک و علمای و روسای ادیان در آن کتاب در کمال حلال و عظمت نازل شده و اینک فرموده اند که حق جل جلاله قصد تصرف ممالک را نداشته و ندارد بلکه برای تقلیب نفوس و تسخیر قلوب نازل شده و تمام بیانات مبارکه آن کتاب مقدس حاکی از عظمت آنست .

جمال اقدس ابهی در یکی از الواح میفرمایند :

"قل هذا روح الکتب قد نفع به فی القلم الاعلی وانصق من فی الانشاء الامن اخذته نفحات رحمتی وفوحات الطافی المهمنة علی العالمین". (۱)

(۱) در کتاب اسرار الالفاظ جلد اول نقل شده (ص) ۱۶۵

بر اساس این بیانات عالیات بود که بدستور بیت العدل اعظم الهی در رضوان (۱۳۵) بدیع که سال قرن نزول کتاب مستطاب اقدس بود احبای جمیع عالم محافل جشن و سرور منعقد ساختند و الواح مبارکه راجع بعظمت آن کتاب مقدس را تلاوت نمودند و از اینکه نظم اداری امرالله که بنیانش در آن کتاب مقدس گذاشته شد پس از گذشت یک قرن از نزول آن در جهان مستقر گردیده شادمانی کردند و تلاوت توقیع مبارک بیت العدل اعظم الهی که حاکی از فتح و غلبه امرالهی و استقرار و تمکن امرالله در جمیع عالم و تحقق وصایای جمال اقدس ابهی بود امیدبخش جمیع قلوب گردید.

### عظمت بیت العدل اعظم الهی

دستور تشکیل بیت العدل اعظم در کتاب اقدس نازل شده و در الواح مبارکه اشراقات و بشارات و لوح دنیا و کلمات فردوسی هم مقام و منزلت این مشروع عظیم و اختیارات آن مقام مقدس بیان گردیده و در باره بیت العدل اعظم در ورق هشتم از فردوس اعلی فرموده اند: "... آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید انمای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند انه یلهمهم ما یشاء وهو المدبر العلیم".

در لوح مبارک بشارات در بشارت سیزدهم میفرمایند:

"امور ملت معلق است به رجال بیت عدل الهی ایشانند ابناء الله بین عباد و مطالع الامر فی بلاده، یا حزب الله مربی عالم عدل است چه که دارای دورکن است مجازات و مکافات و این دورکن دو چشمه انداز برای حیات اهل عالم چونکه هر روز را امری و هر حینی را حکمی مقتضی لذا بوزرای بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند نفسی که لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند ایشان ملهم اند به الهامات غیبی الهی بر کل اطاعت لازم".

بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا نیز وظیفه اهل بهاء را نسبت به آن معهدا علی نشان میدهد که میفرمایند :

مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه را جع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با کثرت آراء تحقق یا بدهمان حق و مراد الله است ، من تجا وزعنه فهو احب الشقاق و اطهر النفاق و اعرض عن رب الميثاق " .

با تلاوت آیات مبارکه فوق تکلیف اهل بهاء روشن میشود یعنی آنچه که رجال بیت عدل که هیکل مبارک حضرت بهاء الله آنها را و زرای بیت العدل می نامند در هیئت و جمع مشاوره کنند و تصمیم بگیرند ملهم به الهامات الهی است و اطاعت آن بر همه واجب است و اگر نفسی اطاعت نکند از حق و رب میثاق اعراض کرده .

چنانکه در بیان مبارک حضرت بهاء الله نازل شده بیت العدل اعظم فقط احکامی را که حضرت بهاء الله صادر فرموده اند وضع میکند و بنا بر مقتضای زمان همان احکامی را که خود بیت العدل وضع کرده نسخ میکند بنا بر این پس از جمال مبارک بیت العدل اعظم شارع و جانشین آن مقام مبارک است و دارای عصمت موهوب یعنی چون بیت العدل اعظم الهی تشکیل جلسه ای دهد و امری صادر کند مصون از خطا می باشد چنانچه حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا میفرمایند :

"بیت عدل الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصونا من کل خطا "

و در کتاب مبارک مفاد و ضوابط بیان شده که حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

"اعضای بیت العدل را فردا فرد عصمت ذاتی نه و لکن هیئت بیت العدل در تحت حمایت و عصمت حق است این را عصمت موهوب نامند " .

### عظمت آثار مبارکه

مراجعه بتاریخ امر الهی و نظری بحوادث گذشته و بلیات و مصائبی که شارع اعظم و مبشر بی نظیر و مثیلش در سبیل امر الهی تحمل نمودند و

همچنین بخاطر آوردن آثار مبارکه مهیمنه که در سجن و تبعیدنازل شده و تاثیر شدید آن در قلوب ما غیه عظمت آثار مبارکه را بخوبی نمایان می سازد و کاملاً آشکار میشود که عظمت امر الهی نه چنان بود که با شهادت و یا تبعید و زجر و آزار و بیخا موشی گراید زیرا آثار مبارکه کلام الهی و برای استقرار سلطنت الهی در دنیا نازل شده بود. گرچه زلسان یک مسجون ما در میشد ولی انواری بود که از آفتاب حقیقت الهیه بر جمیع آفاق ساطع بود و برای هدف بزرگ استقرار وحدت عالم انسانی بجهان نیان عرضه میگردد. حضرت عبدالبهاء در لوح عمه میفرماید:

"باری عظمت امر بقسمی در سجن اعظم ظاهر شد که هر کس حاضر میشد گمان سلطنت مینمود و در ساحت اقدسش جمیع اعناق خاضع بود و کل رقاب ذلیل".

هیچ فردی و یا قلمی هرگز قادر نیست امر الهی و تعالیم و آثارش را آنچنانکه حضرت عبدالبهاء بیان فرموده اند بنستاید قوله الاحلی (!)... آفاق ما نندماهی لب تشنه است و تعالیم جمال مبارک آب روان نه حیفی و نه سیفی و نه تکفیری و نه تدمیری و نه تضییقی و نه تعرضی و نه تکلفی، شمشیرش اعلان وحدت عالم انسانی، تیغ جهانگیرش موهبت رحمانی، قوه جندیه اش محبت اله، قوانین و آئین سیاهش بیسان معرفه اله، سپهسالارش نور هدایت اله، اصول و قوانینش محبت و مهربانی با جمیع نوع انسانی، بدرجه ای که بیگانه آشناست اغیار یار، دشمن دوست، بدخواه خیر خواه، و به این نظرفتا میشود زیرا خطاب بعالم انسانی میفرماید یعنی بجمیع ملل که همه یار یک

دارید و برگ یک شاخسار و علیک البهء الابهی ع

پس بنا بر بیانات مبارکه فوق جمال اقدس ابهی تاسیس امری فرمودند که بجهانگیر که بواسطه مبادی و تعالیم عالییهی نظیرش بعالم غلبه یافته است حضرت عبدالبهاء که در تمام مصائب اب جلیب القدرشان شریک و سهیم و شاهد نزول آثار الهیه بودند عظمت و قدرت

(۱) ماهنامه آسمانی جلد پنجم (ص) ۹۵

بیانات مبارکه را که خطاب به اهل عالم و به سلاطین و امراء و علما و دانشمندان نازل شده و یا آنکه الواحی که در حل مشکلات و مطالب عالم فلسفی و یا تعالیم و دستوراتی که به اهل عالم از قلم مبارک صادر میشود ملاحظه میفرمودند آنچنان شیفته وجود مبارکشان گردیدند که در ادعیه و مناجاتهای خویش از درگاه الهی تمنای فدا در راه عشق جمال اقدس الهی را مینمودند و بمحض اینکه دوره مسجونی ایشان سپری گردید با وجود سال خوردگی و کسالت مزاج که ناشی از مصائب و بلاهای وارده در طی حیات مبارکشان بود برای اجرای وصیت معبود یکتا که فرموده بودند ندای الهی را به عموم اهل عالم ابلاغ نمایند عازم ممالک غرب گردیدند تا ندای امر الهی را بگوش جهان نیسان برسانند و وقتی مشاهده میفرمودند که مستمعین در مجامع و محافل تصدیق عظمت امر مبارک را مینمایند پیش از پیش به معبود و مسجود خویش عشق میورزیدند چنانکه در کتاب سفرنامه جلد اول مسطور است که هیکل مبارک دربارها تا اثیر تعالیم مبارکه فرمودند :

"..... ای بهاء الله بقربانت، ای بهاء الله بفدایت، حرفی زده ای که منکرند ارجه امر عظیمی تا سیس فرموده ای که هر جمعی را قانع نماید هر فرقه ای بر عظمتش گواهی دهد، روحانیان را روحا نیت بخشد، موحدین را بحقیقت توحید آگاه نماید، اشتراکیون را راضی و شاکر گردانند مجالس صلح را بنشاط و طرب آرد، هیچ حزبی جز خضوع مفری نیابد این معجزه است. این اقوی قوای عالم وجود است، این تا ثید جمال مبارک است والا گری پای لنگ و شلی را شفا دادن معجزه باشد که اینکار از قدری مومیائی برمی آید شأن و هنری نیست."

واضح است که حضرت بهاء الله امر مبارکشان را با آثار الواحی که عظمت الهی در آن مستور بوده عالمیان شناسانیدند و این بسیاری مهم و کار خارق العاده ایست که در هیچیک از ادوار گذشته سابقه نداشته حضرت ولی امر الله در لوح قرن خطاب به احبای آمریکافصل مصلی

راه آثار مبارکه و عظمت آن تخصیص داده اند و بیاناتی به این مضمون فرموده اند که نفی و سرگونی جمال اقدس ابها در قلعه عکا و صدماتی که بر آن وجود اقدس در آن سخن شدید وارد گردید و همچنین بلایای وارده به پیروان امر مبارک در ایران هیچکدام نتوانست امر مبارک را متوقف کند و یا اینکه آیات را که مانند باران بهاری از ابر فضل و موهبت سبحانی جاری و تهذیب ارواح و وحدت جامعه و استحکام امر الهی آن مربوط بود از نزول باز دارد. سپس هیکل مبارک به نعت و ستایش آثار مبارکه پرداخته میفرمایند: "از دیدن نظیر عدد الواح و صائف مقدسه و مطالب مندرجه الهیه را در ایام سخن باید از اعظم خاص آن دورا عز اقدس اعلی و ابهی شماره آن عصر مشعشع و پرهینه و جلال امر الله محسوب داشت (۱).

### امتیاز آثار مبارکه

حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلی در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند:

قد طرزت الواح بطراز ختم فالق الاصحاح

یکی دیگر از امتیازات آئین بهائی اینست که آنچه الواح و بیانات مبارکه که از قلم اعلی نازل شده یا به خط مبارک است و یا به خط کاتب که با مضامین مبارک مطرز شده بنا بر این بهیچوجه جای شبهه و شک برای احدی در صحت آن آیات باقی نمیگذارد و محلی برای انشقاق و اختلاف وجود نخواهد داشت. آثار مبارکه در این عصر مشعشع بشهادت هیکل مبارک حضرت ولی امر الله از حیث کیفیت ترجمه کتب عالم برتری دارد و از لحاظ کمیت چندین برابر هر یک از کتب آسمانی است و بنا بر فرموده مبارک حضرتشان حضرت اعلی معادل سه برابر قرآن فقط آیات و الواح نازل فرموده اند بعلاوه کتاب بیان فارسی و عربی که در ماکون نازل شده شامل احکام و تعالیمی است که در نسخ احکام اسلامی نازل شده و در عین حال شامل بشارات عظیمی است را جمع بظهور من یظهره الله که ایشان را بلقب بهاء الله نامیده اند و در کتاب بیان

(۱) کتاب قرن بدیع قسمت دوم (ص) ۲۷۸



عربی بسیاری از آیات کتب مقدسه قبل را تفسیر فرموده اند که حضرت ولی امر الله میفرماید کتاب بیان دارای مقامی است اعلی که در آتیه مقامش معلوم میشود، همچنین تفسیر سورهٔ یوسف و یا احسن القصص که قیوم الاسماء نامیده میشود و بافتخار ملاحسین بشری نازل شده و تفسیر سورهٔ والعصر که بنا بر استدعای امام جمعه اصفهان نازل گردید و رساله‌ای در نبوت خاصه بدرخواست معتمد الدوله و تفسیر سورهٔ کوثر که بافتخار سیدیحیی دارای ملقب به وحید نازل شده هر یک عظمت امر الهی را ظاهر میسازد.

در ضمن خطابات حضرت اعلی بملوک و انبیا، ملوک و اندازات و توقیع به محمد شاه سلطان آن زمان و علمای ایران و نجف و کربلا و کلمات قهریه خطاب به حاجی میرزا آقاسی وزیر اعظم و خطباتی به سلطان عبدالحمید و نجیب پاشا والی بغداد و صحیفه بین الحرمین در جواب سئوالات میرزا محیط کرمانی و توقیعی بافتخار شریف مکه و خصائل السیعه و رساله فروغ عدلیه و تعداد زیادی از آثار و توقیعات و مناجاتها که مفقود شده همه و همه از آثار عظمت و امتیازات امر مبارک است.

اما آثار قلم اعلی (آثار حضرت بهاء الله) را که تعدادش زیاد و خارق العاده است و از لحاظ کمیت و کیفیت بر جمیع کتب آسمانی امتیاز دارد میتوان به دو قسمت تقسیم نمود. آثار قبیل از اظهار امر و آثار بعد از اظهار امر و بسیار با جا است که دوستان عزیز با نام بعضی از کتب والواح مذکوره و بشرح مختصری راجع به هر یک از آنها و امتیاز آثار مبارکه آشنا گردند.

آثار مبارکه قلم اعلی جمعیا به دوزبان عربی و فارسی و (فارسی سره) نازل شده که در کمال فصاحت و بلاغت و سبک آن بخصوص باعث اعجاب نفوس مطلع میباشد. حضرت بهاء الله قبل از اظهار امر مبارک در واقعهٔ بدشت هر روز الواحی نازل میفرمودند که در جمع خوانده میشد آن الواح دارای اهمیت خاصی میباشد.

قصیده رشح عما که در سیاه چال نازل شده و لوح مبارک کل الطعام در سال (۱۲۷۰) هجری قمری بافتخار میرزا کمال تراقی کسبه دارای تفاسیر و اشارات لطیفه است در بغداد نازل شده و کتاب مستطاب ایقان یا رساله خالویه که در جواب سئوالات حاج سید محمد افغان خال اکبر حضرت اعلیٰ در سال (۱۲۷۸) هجری قمری نازل و به خط حضرت عبدالسبّاح در حواشی آن مطالبی مرقوم فرموده اند. خطبه های زیاد و رساله ها و تفسیرها و اشعار و قصائدی بسیار در سلیمانیه عزت زول یافته که قسمتی از آنها در دست نیست. کتاب هفت وادی که مراتب هفت گانه - طلب - عشق - معرفت - توحید - استغنا - حیرت - فقر و فنا - را برای رسیدن به سر منزل مقصود بیان میفرمایند. همچنین کتاب چهار وادی که در این رساله مراتب چهار گانه سیر و سلوک بیان شده و کلمات مکنونه که در سال (۱۲۷۴) هجری قمری در بغداد در مواقعی که در کنار دجله مشی میفرمودند نازل شده وابتدا به صحیفه مخزنه نسه فاطمیه موسوم بوده و همچنین الواح زیادی که بافتخار اشخاص نازل شده است که شمارش آنها در این صفحات میسر نیست.

مهمترین آثار مبارکه بعد از اطهار امر کتاب مستطاب اقدس است که در الواح مبارکه ام الکتاب و یافرات الرحمه و بالقباب دیگری نامیده شده و او اواخر سال (۱۲۸۷) هجری قمری مطابق (۱۸۷۳) میلادی در بیت عمودی خمّار در عکا نازل شده که اولین آیات مبارکه آن راجع به شناسائی و عرفان مطلع وحی و اینکه عمل و عرفان باید توأم باشد میباشد و آخرین آیات آن راجع به بلوغ عالم است آن کتاب به ظاهر کوچک علاوه بر احکام شامل انذارات و خطایات به ملوک و علما و اهل بیان و طرح اداره جامعه بشریت به روشی جدید و بدیع میباشد که عظمت امر الهی را روشن ساخته است و نیز بعضی از احکام کتاب بیان را بنا بفرموده حضرت رب اعلیٰ تعدیل و برخی را که مورد قبول واقع شده بفضّل مبارک در آن نقل فرموده اند.

دیگر الواح مبارکه اشراقات، تجلیات، بشارات، کلمات فردوسیه

طرازات ، کتاب عهدی و کتاب مسین و لوح مقصود ، لوح اتحاد و صدها الواح دیگر و سورة الملوك و الواح ملوك (که پیشگوئیهای مبارک در باره هریک از آنها تحقق یافته) و زما مداران و بیشوايان مذهبی و کتاب عهدی که وصایای مبارکه است به خط و امضای مبارک و الواح زیادی که چندین جلد از آنها تحت عنوان آثار قلم اعلی تا بحال چاپ شده و تعداد زیادی از آنها که هنوز منتشر نگردیده همه و همه نشانه‌ای از امتیازات<sup>ت</sup> مبارکه میباشند که مبارک حضرت ولی امر الله تعالی دکتب مبارک را عیش از صد تعیین فرموده اند .

### عظمت میثاق و امتحانات الهیه

یکی دیگر از آثار عظمت این امر الهی عهد و میثاقی است که جمالی اقدس الهی آن را در کتاب عهدی مستحکم و به نص صریح حضرت غصن اعظم را مسین آیات الله تعیین فرمودند و همچنین حضرت مولی الوری در الواح وصایای مبارکه با تعیین ولی امر الهی این آئین اعظم را از انشقاق و انفکاک حفظ فرمودند .

برای استقرار عهد و میثاق الهی وقایع عظیمه‌ای رخ داد و احیای الهی به امتحانات شدید گرفته و رشد و انباشت بیانات شتی که از قلم حضرت ولی امر الله در توفیق مبارک سال هشتاد و هفت (۸۷) بدیع نازل گردید شدت امتحانات الهی را معلوم میدارد قول الله الاحلی:

"امر عظیم است عظیم و حوادثش بس خطیر و جسیم . صرفاً امتحان نش شدید است و صراطش احداً از سیف حدید جز حبال با ذخه و اطوادشا مخسه مقامت ریح عقیم نتواند و جز اقدام ثابته مستقیمه از این منهج قویم نگذرد . شعله انقلابش شراباً راست و صاعقه قهرش اشراً رلهیب نار" <sup>نقل میفرماید</sup> بندگه سپس این بیان را: "الناس هلکاء الا المومنون و المومنون هلکاء الا الممتحنون و الممتحنون هلکاء الا المخلصون و المخلصون فی خطر عظیم"

مراجعه بتاریخ بخوبی نشان میدهد که عهد و میثاق الهی در این آئین

اعظم آنچنان مستحکم بوده و هست که با وجود دشمنان داخل و خارج در ابتدای امر و ایجاد نفاق و دودستگی بین پیروان اولیه و نقض یحیی ازل و مصائبی که از پیروان او برهیکل مبارک وارد آمد و همچنین پس از غروب شمس جمال اقدس ابهی قیام ناقض اکبر بر ضد حضرت عبدالبها و وزش تندبا دبلایا بر حضرت مولی الوری و مسجونى وجود مبارکش و قلعه بندى عکا و نقض عده‌ای از احبا هیچیک امرالهی را از استحکام باز نداشتند. مرکز میثاق با قدرت اخذ شده از جمال اقدس ابهی در کمال صبر و استقامت امرالهی را محافظت فرمودند و ندای امر اعظم را بدورترین نقاط ممالک غرب رسانید.

حضرت ولی امر الله در توقیع نوروز سال هشتاد و هشت (۸۸) بدیعی میفرماید:

**«عصنفر میثاق در بیشه حقیقت عمرتشی بنمود که از نهیب فریادش شغالان نقض فریاد او و یلابر آوردند و در حفرات یاس مقرر گزیدند.»**

پس از صعود مرکز میثاق ولی امرالهی با تأییدات حضرت بهاء الله بر جمیع مخالفین و ناقضین علیه فرمود و بقوت میثاق امرالله را محافظت نمود و جمیع یاران را بزیارت الواح و صایا تشویق فرمود و در بیانات مبارکه اش الواح و صایا را "ولید میثاق" نامید که بوسیله آن الواح مقدسه میثاق الهی محفوظ ماند و در مدت سی و شش سال ولایتش امرالهی در جمیع نقاط عالم توسعه یافت و الواح مبارکه بزبانهای مختلفه ترجمه شد و نظم اداری الهی را که بفرموده مبارک "زائیده نظم بدیع جهان آرای الهی است" که جمال اقدس ابهی بدنیای عرضه فرموده اند در دنیا مستقر فرمود.

گرچه پس از صعود مبارکش چندی از نفوس علم نقض برافراشتند ولی قوت میثاق این آئین اعظم همچنان باقی و برقرار بود و آنفکاک و انشقاقی واقع نگردید و این آئین الهی بسرپرستی حضرات ایادیان امرالله که به قدرت وجود مقدسش برایین صیانت امرالهی انتخاب شده بودند با وجود صعود روح مقدس هیکل مبارک آنچنان قوت

وقدرت داشت که در رضوان سال (۱۹۶۳) میلادی که یک قرن از تاریخ ظهور امرالهی میگذشت نمایندگان بهائیان دنیا در ارض اقدس اولین کانونش جهانی بهائی را تشکیل دادند و با انتخاب اعضاء بیت العدل اعظم که منصوص کتاب مستطاب اقدس است اقدام نمودند و آن مقام منیع اداره امرالهی را در دنیا کنونی بعهده گرفت لذا سفینه امرالله از طوفان نقض برهید و در ساحل نجات مستقر گردید .

این بود قوه میثاق و عظمت میثاق که چون دریای خروشان موج زد و طوفان امتحانات الهیه نفوس ناپاک را چون خس و خاشاک کف بیرون راند و بیان مبارک حضرت عبدالبهاء تحقق یافت که میفرماید :

" امر و زرب الجنود حامی میثاق است و قوای ملکوت محافظ میثاق و نفوس آسمانی خادم میثاق و فرشته های ملکوتی مروج میثاق بلکه اگر بر دیده بصیرت نظر شود جمیع قوای عالم بالنتیجه خادم میثاق در استقبال ظاهر و آشکار خواهد گشت . . . . الی آخر بیان الالحلی" . (۱)

آثار مبارکه مرکز میثاق حضرت مولی الوری خود نشانه عظیم از قوه میثاق است و راهنمای احباء و حافظ امرالله حضرت عبدالبهاء در مکتب الهی پدر بزرگوار جمیع علوم را آموختند و الواح و کتب مختلفه و آثار مبارکه زیادی به افتخار احبای شرق و غرب و دوستان غیربهائی بزبان فارسی و عربی و ترکی از ایشان باقی است که دارای مطالب مهمه علمی و فلسفی با انشاء عالی و دلنشین و سبک بخصوصی است که باعث اعجاب جمیع نفوس است حتی دشمنان امرالهی به فصاحت و بلاغت آن اقرار دارند که برای نمونه میتوان تفسیر حدیث کنت کنزاً مخفياً ، رساله مدنیه ، رساله سیاسیه ، فرامین تبلیغی ، تذکره الوفا ، مفروضات ، الواح وصایا ، مقاله شخص سیاح ، مکاتیب مبارکه که در چندین جلد جمع آوری شده و صدها الواح خصوصی را که در نزد اشخاص مختلفه محفوظ میباشند نام برد که جمیع احباء الهی را بصفت پسنیدیده و اطاعت از تعالیم الهیه دعوت میفرمایند و توصیه میفرمایند که از امتحانات الهیه نهرا سید و محزون نشوید و حکمت امتحان را چنـبـین

(۱) کتاب مائده آسمانی جلد نهم (ص) ۱۵۴

میفرمایند :

"از امتحانات هیچ محزون نگردید زیرا امتحان وافتتان حصار  
اشرا ووسب ظهور کمالات ابرار است لهذا باید بسیار ممنون و خشنود بود  
چه که مقصدا ز ظهور نور مبین تربیت نفوس مبارکه است و این حزیبا  
امتحانات الهیه ممکن نه اگر امتحانات الهیه نبود نفوس تربیت  
نمیشدند بلکه جمیع مستغرق بحر هوی و هوس میماندند چون شدائید  
امتحان بمیان آید نفوس منقطع گردند و منجذب بحق و متوجه الی الله  
و متخلق باوصاف رحمانی و مستمد از فیوض آسمانی شوند" (۱)

آثار مبارک حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق بهترین مری و راهنمای  
احیای الهی است که در تبیین و تفسیر تعالیم حضرت بهاء الله نازل  
گردیده .

همچنین پس از صعود مرکز میثاق دیده احیای دنیا بزیارت السموات  
مبارکه حضرت ولی امر الله روشن گردید که بزبان انگلیسی و فارسی  
و عربی نازل شده و شامل نصح و تفسیر و تبیین تعالیم الهی است و  
دارای سبکی بخصوص میباشد که بکلی از سبک نگارش حضرت عبدالبهاء  
مجزا است .

حضرت ولی امر الله کتب مختلفه ای بزبان انگلیسی تالیف و کتاب  
تاریخ نبیل را مختصرا در یک جلد ترجمه فرمودند که سند تاریخی مهم  
امری است توقیعات مبارکه که در راه نور و زویا رضوان یا مواقع  
دیگر فارسی و انگلیسی نازل شده و الواح مختلفه همی که دارای  
اهمیت فوق العاده است زیرا علاوه بر تماش و تبیین احکام حاکم و  
دستورات مهمه برای استقرار نظم بدیع در عالم و مطالب پراهمیت  
بسیاری میباشد .

### عظمت نظم بدیع

حضرت بهاء الله حل اسمه الاعلی در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند :

"قد اضطرب المنظم من هذا النظم الاعظم واختلف الترتیب بهذا لبیدیع الذی

(۱) ماده آسمانی جلد نهم (ص) ۸۷

ما شهدت عين الابداع شبهه . . . . ."

نظم بدیعی که جمال اقدس ابهی در این آیه مبارکه وصف میفرماید  
همان نظمی است که هیکل مبارک بجهان عرصه فرمودند و حضرت رب  
اعلی در کتاب مبارک بیان آن بشارت داده و فرموده اند :

"طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله ویشکره"

هیکل مبارک حضرت ولی عزیز امر الله مبین عظیم الشان دیانت  
بهائی در توقیعات مبارکه و کتاب دوربهائی راجع به نظم بدیعی  
بیانات مفصلی فرموده اند که بطور خلاصه ذکر میشود .

حضرت بهاء الله بوسیله مبادئی که در این ظهور اعظم وضع فرمودند نظم  
بدیعی را تشکیل دادند که در هیچ عصری از اعصار نظیر آن دیده نشده  
در این عصر اعظم نظم بدیعی الهی بمنزله سفینه نجات بشری است که  
ناگزیر بر خرابه های نظم و روشکسته جهان مستقر خواهد شد این نظم جدید  
اساسی بر تاسیسات اداری پایه گذاری شده یعنی در حقیقت نظم اداری  
بمنزله هسته نظم بدیعی الهی محسوب میشود که در هیچیک از ادوار تاریخ  
بشرفا در نبوده یا چنین نظمی تشکیلات خود را اداره کند .

هیکل مبارک راجع به توسعه مشروعات امریه میفرماید : که این  
مشروعات و موسسات آئین بهائی ما تندمجاری هستند که فیض الهی را  
بجهان بشری میرسانند و بالاخره وعده میفرمایند که در عهد های آینده  
عصرتکوین نظم اداری آئین بهائی در دنیا مستقر خواهد شد و روز بروز  
موسسات محلی و ملی و بین المللی شریعت حضرت بهاء الله وسیع تر  
خواهد گردید تا آنکه عصر سوم دوربهائی یعنی عصر ذهبی فرا رسد و نظم  
جهان آرای الهی در دنیا جلوه محیر العقول نماید و آن وقت است که  
شهره امر جمال اقدس ابهی ظاهر میشود .

اکنون ما شاهد هستیم که این نظم بدیعی جهان آرای الهی و دستورات  
مبارکه راجع بنظم اداری که در کتاب مستطاب اقدس اساسش نهاده شده  
و دستور تشکیل بیوت عدل خصوصی و عمومی و بیت العدل اعظم که در  
الواح مختلفه نازل گردیده و نقشه عظیم آن بتوسط مرکز میثاق حضرت  
مولی الوری طرح شده و مرحله اجرا در آمده بود چگونه در دوره ولایت امر  
توسعه یافت و در جهان منتشر گردید .

اصول و قوانین اداری و تشکیلات امریه را که در جمیع نقاط عالم با یک نظم و قانون متحدالشکل اداره میشوند میتوان باین ترتیب خلاصه کرد .  
 عده بهائیان هر یک از شهرهای مختلفه دنیا هر سال یکبار ۹ نفر باین خود برای تشکیل محفل روحانی محلی انتخاب میکنند و از طرف دیگر افراد احبا برای انتخاب تعداد و کلائی که نسبت به جمعیت بهائیان آن سامان برای آنها مقرر گردیده اقدام میورزند و آن وکلاء نمایندگانسی هستند که در انجمن شور روحانی یا (کانونشن ملی) آن کشور شرکت کرده و علاوه بر شور و مشورت در مسائل مختلفه برای پیشرفت امر الهی ۹ نفر را برای عضویت محفل ملی از بین بهائیان کشور خویش انتخاب مینمایند و این محافل اعضاء لجنات امریه را انتخاب میکنند و این لجنه ها مانند ایادی محافل روحانیه ملیه و محلیه هستند که تحت نظر آن محافل مقدسه اداره امور مختلفه امریه میپردازند یعنی لجنات محلیه تحت نظر محافل روحانی محلی و لجنات ملیه تحت نظر محافل ملی به تمشیت امور مشغول میشوند . محافل روحانیه مستقله در حالیکه مسئول محافل ملیه اند اداره امور محلی را بعهده میگیرند . و محافل ملیه مستقله در حالیکه مسئول بیت العدل اعظم هستند به تمشیت امور بهائیان کشور میپردازند .

اما برای انتخاب اعضاء بیت العدل اعظم اعضاء محافل ملیه همان هر چند سال یکبار (بنا بر قرار آن معهدا علی) در یک کانونشن جهانی در ارض اقدس شرکت جسته و اعضاء بیت العدل اعظم الهی را انتخاب می کنند . بنا بر این در اثر طرح نقشه های تبلیغی هیکل مبارک حضرت ولی امرالله که از الواح وصایا و فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء الهام گرفته میشد چون تعداد محافل ملیه دنیا بحد بلوغ رسید در ۲۱ آپریل ۱۹۶۳ میلادی مطابق رضوان ۱۲۵۰ بدیع مقارن با قرن اظهار امر جمالی مبارک در بغداد اعضاء (۵۶) محفل ملی دنیا در اولین کنگره جهانی ارض اقدس شرکت جسته ۹ نفر اعضاء بیت العدل اعظم الهی را انتخاب کردند و آن روزیوم استقرار نظم اداری در دنیا بود که بنا بر بیانات مبارکه آن مقام مانع مرجع جمیع احباء بعد از کتاب اقدس میباشد و بوسیله محافل ملیه با احبای جهان ارتباط دارد و بوسیله این سلسله مراتب



است که حال بیت العدل اعظم حکومت روحانی جهانی جامعها ثنی را در دست دارد و بفرموده حضرت ولی امرالله در توفیقات مبارکه آثار این نظام اداری امرالله در آینده ظاهر خواهد شد و در قرن ذهبی که صلح اکبر و وحدت عالم انسانی تحقق خواهد یافت بیت العدل اعظم مسئولیت های بزرگتری را بعهده خواهد گرفت (۱)

ضیافات نوزده روزه نقش بزرگی را در نظام اداری بعهده دارد و از اصول مهمه است و حکم این تاسیس بزرگ در کتاب اقدس نازل شده که میفرماید:

"قدرقم علیکم لضا فیه فی کل شهر مره واحده ولوبالماء ان اللسه اراد ان یؤلف بین القلوب ولوباسباب السموات والارضین ."

ضیافات نوزده روزه که طرح آن از حضرت نقطه ولی و حکم آن از شارع مقدس امرالهی است بفرموده حضرت ولی امرالله پایه و اساس تشکیلات امریه است که در هر ماه بهائی یکبار تشکیل میشود . برنامه ضیافات نوزده روزه را بر پایه و اساس دستورات مبارکه مرکز میثاق حضرت ولی مقدس امرالله طرح و بحهانیان ابلاغ فرمودند که از چهار قسمت تشکیل میشود .

- ۱- قسمت روحانی که آیات الهی تلاوت میشود .
- ۲- قسمت اداری که دستورات محافل روحانیه و ملیه و یا بیت العدل اعظم ابلاغ میشود .
- ۳- قسمت شور و مشورت که این قسمت پایه و اساس محافل نوزده روزه است و اعضاء ضیافات برای پیشرفت امرالهی به بحث و مشورت می پردازند و نتیجه آن بمحافل روحانیه ارجاع میگردد یعنی این ضیافات حلقه ارتباط اهل بهاء یا محافل روحانیه است و هرگونه پیشنهادهای نظری میبایستی پس از شور و تصویب با اکثریت آراء به محافل روحانیه محلی فرستاده شود که بنا بر نص مبارک در آینده محافل روحانی محلی بیوت عدل خصوصی و محافل ملیه بیت عدل عمومی نامیده خواهد شد .
- ۴- قسمت پذیرائی (لوبالماء) و ملاقات یاران الهی یا یکدیگر است .

(۱) اکنون بنا بر تصمیم بیت العدل اعظم اعضای آن معهدا علی هر پنج سال یکبار انتخاب میشوند و هرگاه فردی نتوانست در کارها شرکت نماید چنانچه در گذشته

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح در جواب شخصی که راجع به ضیافات نوزده روزه سوال کرده بود میفرماید:

"مقصود این ضیافات الفت و محبت و تبتل و تذکرو ترویج مساعی خیریه است....." (۱)

لذا در این ضیافات که شرکت افراد بهائی در آن لازم و واجب است محبت و اتحاد که بزرگترین دستور اخلاقی این آئین اعظم است ایجاد میشود و بوسیله شور و مشورت با بیوت عدل خصوصی ارتباط حاصل میگردد در امر مبارک اهمیت شور و مشورت بسیار زیاد بلکه یکی از امتیازات نظم اداری است که حضرت ولی امر الله آنرا نظم فرید الهی خوانده اند و همچنین در توقیعات مبارکه انجام انتخابات آزاد را از طرف پیروان این آئین اعظم که بوسیله آن اعضاء بیوت عدل انتخاب میشوند یکی دیگر از مختصات و امتیازات نظم اداری حضرت بهاء الله ذکر فرموده اند و بالاخره اینکه با استقرار نظم اداری در جهان امر الهی از انشعاب و انشقاق محفوظ خواهد ماند که واضح است این نیز خود از بزرگترین امتیازات امر بهائی است.

همچنین اهمیت الواح و صایای حضرت عبدالبهاء را مفضلایان فرموده و آنرا "منشور مقدس نظم اداری حضرت بهاء الله" نامیده اند و بیاناتی باین مضمون میفرماید که: این نظم فرید که شالوده آن با سخون شهدای امر آبیاری شده بود بوسیله این منشور مقدس در درجه اول و سپس توسط یاران الهی و ثابترین میثاق در دنیا مستقر شد.

در آخرین مطلب بسیار مهم بسیار است که ترجمه بیان مبارک حضرت ولی امر الله عنین نقل گردد: "دوربهائی با ارتفاع نظم اداری مخصّص گشته و این نظم بمثابه صدقی برای حفظ وصیانت گوهر گرانبهای امر الله است و بمرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصله ایست که این شرع انور را به مرحله نهائی وارد خواهد ساخت." (۲)

### پیشرفت امر الهی

جمال اقدس ابهی در کتاب مستطاب اقدس راجع به ظهور بعد میفرماید:

(۱) گنجینه حدود و احکام (ص) ۱۵۷ (۲) کتاب دوربهائی (ترجمه) (ص) ۹۱

"من يدعی امراقیل اتمام الف سنه کما مله انه کذاب مفتر....."

حضرت عبدالبهاء در تبیین مبارک فوق در یکی از خطابات مبارکه در حیفای از بیاناتی راجع به ظهورات گذشته و انبیائی که در ظل آنها بودند و مقتبس از انوار آنها میفرمایند:

"همچنین در دوره جمال مبارک، روحی لاحیاء الفداء کل در ظل او هستند شیه و مثیلی ندارد تا ظهور بعد آنهم بعد از هزار سال نه این که معیناً هزار سال ولی دو هزار سال، ده هزار سال، بیست هزار سال حتمی نیست که بعد از هزار سال باشد تا هزار سال دیگر آفتابی طالع نمیشود آنچه ظاهر شود در ظل او هستند. بمنزله سرج هدی هستند، جمیع بر سر این چشمه حیات جمع اند جمیع از آن انوار اقتباس مینمایند جمیع از آن دریا بهره و نصیب میگیرند... الی آخر بیانه الاحلی" (۱)

حضرت ولی امر الله ارواح فدا در توقیعات مبارکه کوریهائی را پانصد هزار سال بیان فرموده اند که ظهورات در این کورمه در ظل جمال مبارک خواهند بود. سیس دوریهائی را که اقلاً هزار سال و یا بیشتر خواهد بود به سه عصر تقسیم فرموده اند عصر رسولی، عصر تکوین، و عصر ذهی.

عصر رسولی از اظها را مرحضرت رب اعلی شروع شده و با صعود حضرت عبدالبهاء خاتمه یافته (۲)

عصر تکوین بعد از صعود مبارک و با اعلان الواح وصایای حضرت عبدالبهاء یعنی ابتدای دوره ولایت شروع شده و اختتام مرحله آخر آن مصادف خواهد بود با افتتاح عصر طائفی و یا عصر ذهی که اشاراتش را قبلاً یاد آور شدیم.

اما عصر رسولی دارای سه عهد میباشد، عهد اعلی که دوره اش (۹) سال و منحصر بدوران حضرت رب اعلی است، عهد میثاق که مربوط به حضرت بهاء الله است و دوره اش (۳۹) سال است، عهد میثاق که مربوط به دوران حضرت عبدالبهاء و دوره اش (۲۹) سال میباشد. اما راجع به پیشرفتهای امر الهی در این عهدهای سه گانه حضرت ولی امر الله در

(۱) ماده آسمانی جلد پنجم (ص) ۱۸۱ (۲) متذکر میگردد که حضرت عبدالبهاء در روز اظها را مرحضرت اعلی متولد شدند.

توقیع صدویا زده بدیع شرح مفصلی بیان فرموده اند که امر الهی در عهد اول منحصر بدو کشور ایران و عراق بود در عهد ثانی در ۱۳ اقلیم از اقلیم شرقیه و غربیه منتشر شد و در عهد ثالث که عهد مرکز میثاق بود علاوه بر آن در ۲۰ مملکت دیگر یعنی در سی و سه (۳۳) کشور امر الهی مستقر شد و پس از انقضای صد سال از ظهور امر حضرت اعلی به هفتاد و هشت (۷۸) بالغ گشت که البته در اثر طرح نقشه های تبلیغی هیکل مبارک روز بروز بر تعداد محافل ملیه افزوده شد تا آنکه در ماه سیتا میر ۱۹۵۷ میلادی قبل از صعود هیکل مبارک به اهل بهاء بشارت فرمودند که تا آن تاریخ دو بیست و پنجاه و چهار (۲۵۴) مملکت در ظل امر الله هستند یا لاخره این افزایش ادا می یافت و منحربه انتخاب اعضاء بیت العدل اعظم گردید و هنوز هم با طرح نقشه های جدیدی از طرف مقام منیع بیت العدل اعظم پیشرفت امر الله در عالم خیلی سریع مشاهده میشود و این پیشرفت سریع امر الله نشانه دیگری از عظمت امر الهی میباشد.

میباید شد.

(۱) در سال ۱۴۲ بدیع و ۱۹۸۵ میلادی و ۱۳۶۴ شمسی پیشرفت امر الهی بر طبق آنچه در پیام منیع بیت العدل اعظم الهی در ژانویه ۱۹۸۵ خطاب به احبای عزیز ایرانی مقیم اقلیم و بلاد خارج در شرق و غرب عز صدور یافت چنین است:

نقشه هفت ساله که در رضوان ۱۳۶ مقارن با انقلابات حالیه ایران اعلان گردید اهدافش به یمن فداکاری و جانبازی عزیزان ایران نتایج عظیمه ببار آورد.

- ۱- بیت العدل اعظم در مقدماتم خویش بر کوه کرمل مستقر گردید.
- ۲- هیئت جلیله دار التبلیغ بین المللی تقویت و بمقر خویش در جوار بیت مبارک حضرت عبدالبهاء منتقل گردید.
- ۳- بیت عبدالله پاشا در عکا که منزل مرکز میثاق و محل تولد حضرت ولی امر الله و محل نزول الواح متعدده بود برای زیارت حاضر گردید.

(۱) این قسمت بعدا اضافه شده است

- ۴ - دوائر جامعه بين المللی بهائی در سازمان ملل متحد وسعت پذیرفت و نام امر بهاء در مجامع بین المللی بلند گردید .
  - ۵ - مشرق الاذکار سا مواد قلب اقیانوس کبیر با حضور رئیس مملکت و وزیران و نماینده بیت العدل اعظم (حرم مبارک) افتتاح شد .
  - ۶ - تعداد محافل ملیه که در اول نقشه هفت ساله ۱۲۵ محفل بود فعلا ۱۴۳ و تارضوان آئینده بر ۱۴۸ بالغ خواهد شد .
  - ۷ - تعداد محافل روحانیه مجموعا بیش از سی هزار بالغ شده .
  - ۸ - اراضی ۹ مشرق الاذکار دیگر خریداری شده و میشود و تعداد اراضی به ۱۲۲ قطعه بالغ میشود .
  - ۹ - آثار الهیه با ترجمه به ۹۱ زبان جدید به ۷۴۰ زبان بالغ شد .
  - ۱۰ - هزاران کلاس درس اخلاق در شرق و غرب تاسیس گردید و ۲۶۶ کتاب مخصوص اطفال بهائی به ۵۶ زبان در ۷۱ کشور بطبع رسید .
  - ۱۱ - پیروان اسم اعظم ۳۹۲ مدرسه بهائی در قارات مختلفه تاسیس نمودند .
  - ۱۲ - بهائیان عالم با ایجاد ۴۲۰ برنامه بهداشتی و کشاورزی آشنا و بیگانه را منتفع ساختند .
  - ۱۳ - علاوه بر رادیو بهائی در اکوادرسه فرستنده رادیو مستقل بهائی در کشورهای بولیویا - پرو - آمریکا (کارولینای جنوبی) تاسیس گردید .
  - ۱۴ - اهداف نقشه باقیام ۳۲۰۰ مهاجر فداکار و ۵۸۰۰ نفر که با سفار تبلیغی اعزام گشته اند تحقق بخشیده شد .
  - ۱۵ - بالاخره متجاوز از یکصد لایحه و بیانیه در حمایت از امر اعظم از مجامع عالیه و پالمانهای عالم گذرانده و تصویب شد .
- بنابر پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ دوم ژانویه ۱۹۸۶ روز ۲۷ دسامبر شصت و چهار نفر از مشاورین قارات خمه عالم بمنظور مشاوره به دارالتبلیغ بین المللی با حضور عده ای از حضرات ایادی امرالله در کنفرانس بسیار عظیم شرکت جستند که معهدا علی بواسطه پیشرفتهای

بسیار مهم امر الهی و آغاز مرحله‌ای جدید در رشد و تحول نظم اداری امر الهی و ورود مرحله چهارم عصر تکوین را اعلان فرمودند. که مرحله اول یا عهد اول آن از سال ۱۹۲۱ میلادی پس از صعود مرکز میثاق و ابتدای دوره ولایت امر شروع میشود تا سال ۱۹۴۴ قرن اظهار امر الهی حضرت نقطه اولی که بالغ بر ۲۳ سال میشود و عهد دوم ازین سال تا ۱۹۴۶ (۱۱) تا ۱۹۶۳ که قرن اظهار امر جمالی اقدس ابی است و بالغ بر ۱۹ سال میشود و عهد سوم از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۶ و بالغ بر ۲۳ سال میشود و عهد چهارم از سال ۱۹۸۶ که انتهای آن نامعلوم است. همچنین اعلان فرمودند که نقشه شش ساله‌ای طرح شده که ابتدای آن ۲۱ آپریل ۱۹۸۶ و انتهای آن ۲۱ آپریل ۱۹۹۲ خواهد بود سال مقدسی که مقارن با صدمین سال صعود شارع اعظم و تاسیس موسسه عهد و میثاق الهی است و در آن سال دومین کنگره عظیم جهانی در نیویورک مدینه میثاق تشکیل و با حضور احبای جهان جشن گرفته خواهد شد.

#### موسسه‌یادی امرالله و نقش آن در پیشرفت امر الهی

حال باید متذکر شویم که پیشرفت امر الهی با آن سرعتی که مذکور گردید نه آنچنان آسان تحقق پذیرفت که بنظر میرسد بلکه در اثر مساعی خستگی ناپذیر دوران سی و شش ساله ولایت امر که منجر به صعود ولی امر نازنین امر بهاء گردید این امر اعظم تحقق یافت. هیئت کل مبارک برای اجرای وصایای حضرت عبدالبهاء که در بیانات مبارکه خویش آن الواح را منشور نظم بدیع و ولید میثاق خوانده پیوسته مجاهدات فراوانی فرمود که یکی از آن اقدامات انتخاب ایادیان امرالله بود. موسسه‌یادی امرالله در عهد ابی با مرحال قدم تشکیل در عهد میثاق تقویت یافت و در زمان ولایت امر بهاء از پیش تقویت شد یعنی تعداد ایادیان امرالله که در زمان حضرت بهاء الله چهار نفر بودند در زمان حضرت عبدالبهاء چهار نفر دیگر هم به این سمت (۱) هیئت مبارک حضرت ولی امرالله خاتمه اولین عصر تکوین را مابین سالها ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۶ قرار داده‌اند

مفتخر گردیدند اما حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا انتخاب  
ایادیان امرالله را بعهده ولی امرالله محول فرمودند. میفرمایند:  
"ای یاران ایادی امرالله را باید ولی امرالله تسمیه و تعیین کند  
جمیع باید در ظل او باشند و در تحت حکم او، اگر نفسی از ایادی و غیر  
ایادی تمرد نمود و ناشقاق خواست علیه غضب الله و قهره زیرا سبب  
تفرق دین الله گردد."

سپس وظائف ایادی امرالله را تشریح میفرمایند:  
"وظیفه ایادی امرالله نشر نجات الله و تربیت نفوس و تعلیم علوم  
و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئون است از اطوار و  
احوال و کردار باید تقوای الهی ظاهر و آشکار باشد و این مجمع ایادی  
در تحت اداره ولی امرالله است که باید آنان را دائماً بسعی و کوشش و  
جهد در نشر نجات الله و هدایت من علی الارض بگمارد... الی آخر  
بیانہ الاحلی .

برای اطاعت از دستورات مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء بود که ولی عزیز  
امرالله مجدداً اقدام به انتخاب اعضای موسسه ایادی امرالله فرمود  
که میتوان موسسه ایادی رایکی دیگر از اعمده نظم بدیع جهان آرای  
الهی دانست زیرا ایادیان امرالله چه در زمان هیکل مبارک و چه پس  
از معود مبارک نقش مهمی را در پیشرفت امرالهی در عالم ایفا نمودند.  
حضرت ولی امرالله روحی لاحیاء الفداء که مرتباً در توفیقات مبارکه  
احیاء را بهجرت و خدمت و شرکت در نقشه‌هایی که برای احیای قارات  
عالم تهیه نموده بودند تشویق میفرمودند در سال (۱۹۵۱) از میان  
بهائیان دنیا دوازده نفر را بسمت ایادیان امرالله انتخاب  
فرمودند. سپس در فوریه (۱۹۵۲) هفت نفر دیگر انتخاب فرمودند که  
جمعا بالغ بر نوزده نفر گردیدند و دستور فرمودند که پانزده نفر از آن  
نفوس که برای خدمت بزرگ یعنی تبلیغ و حراست امرالله و تعلیم و  
تشویق احیاء الله انتخاب شده بودند با مسافرت بنقاط مختلفه عالم  
بوظائف خویش عمل نمایند و چنانچه از آن خادمین امرالله در ارض  
اقدس ساکن شوند و بخدمات مربوط به اراضی مقدسه و ترویج مشروعات  
ارض اقدس مشغول گردند. لذا این عده بخدمات مخصوصه خویش

پرداختند تا آنکه در اکتبر سال (۱۹۵۷) که یک ماهی بیش به صعود مبارک نمانده بود بگفتند موسسه ایادی را تقویت و هشت نفر دیگر بر تعداد ایشان افزودند که شماره آنان بالغ بر (۲۷) نفر گردید و در توقیعیهای مبارک مؤده آن را به اهل بهاء در جمیع نقاط عالم دادند و ایشان را به لقب **حراس** **مربها** ملقب فرمودند و بایشان اجازه دادند که معا و نینی برای خویش انتخاب و بحضور مبارک معرفی نمایند. بدینوسیله موسسه هیئت معاونت هم تشکیل گردید و هیئکل مبارک حضرات ایادیان را برای شرکت در کنفرانسهای بین القارات به نیابت از هیکل مبارکشان اعزام فرمودند و ایشان برای اتمام موفقیت آمیز نقشه هائی که مولای حنون طرح فرموده بودند مجاهدات شایانی میدول داشتند پس از صعود مبارک این ایادیان عزیز بودند که سفینه امر الهی را از طوفان نقض محافظت فرمودند و با پیشرفت امر الله در مدت شش سالی که زمام امور را در دست داشتند محافل ملییه از دیا دیافت و به حدنصاب رسید و بیت العدل اعظم تشکیل گردید و قبه رفیع البنیاد آن معهدا علی بر اساس نظم داری امر الله در مرکز جهانی استقرار یافت و آن سال که (۱۹۶۳) میلادی و سال (۱۲۰) بدیع بود صدسال از اظهار مرخفی جمال مبارک میگذشت و همان سالی بود که دانیال نبی بآن خبر داده بود.

که خوشا بحال کسیکه انتظار کشیده آن روزها را ببیند و هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء در بیانات مبارکه فرموده بودند که آن روز یک قرن از ظهور مبارک میگذرد و امر مبارک در ارض متمکن و مستقر میشود.

و از آن پس چون انتخاب حضرات ایادی مختص هیکل مبارک بود متوقف گردید و بیت العدل اعظم الهی ایادیان خویش را مشاورین قاره ای نام نهادند که با کمک ایادیان و مشاورین خدمات مهمه بسیاری تا بحال انجام یافته است و معا و نین و مساعدین در خدمات

(۲) دانیال نبی این روز بزرگ را در کتاب عهد عتیق بشارت داده برای اطلاع کافی به الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء در کتاب مائده آسمانی جلد دوم (ص) ۷۸ و جلد نهم (ص) ۲۰ مراجعه شود



آنان شریک بوده وهستند .

حال که کلام باینجا رسید مجدداً یادآور میگردد که مبین عظیم الشان امر الهی هیکل مبارک حضرت ولی امر الله روح ما سوا ه فداه نظم بدیع الهی را در توفیقات مبارکه مفصلات تشریح فرموده و اهمیت آن نظم بی نظیر را شرح داده اند که چکیده آنچه که از فرمایشات مبارکه استنباط میشود تکرار میگردد .

نظم بدیع عبارت از نظم جهان آرائی است که حضرت بهاء الله به جهانیان عرضه فرموده اند ، کتاب وصایای حضرت عبدالیهاء منشور نظم بدیع وولید میثاق ، احکام کتاب اقدس ومبایدی وتعالیم حضرت بهاء الله تا روپود نظم بدیع هستند ، وبالآخره نظم اداری بمنزله هسته نظم بدیع محسوب میشود .

بیوت عدل خصوصی وعمومی یعنی محافل روحانیه از پایه ها و اساس نظم اداری هستند و دیوان عدل الهی بالاترین نقطه وقبه قصر مشید این نظم فرید و بی نظیر .

نظم اداری شامل موسسات وتشکیلات ومراکز امریه است ومركز جهانی روحانی واداری امر الهی در ارض اقدس میباشد اما کن متبرکه ومشروعات ارض اقدس وهمچنین مشرق الاذکارهای قارات جهان از اعمده وستونهای نظم اداری هستند وموقوفات امریه وحظیره القدسها ومدارس تالستانه از موسسات نظم اداری وحصن حصین آن میباشند .

تشکیلات امریه بمنزله محاری وقنواتی هستند که فیض الهی را که از عالم بالا نازل میشود بحامعه بشری میرسانند .

اساس تشکیلات امریه بر شور ومشورت گذارده شده که از ضیافات نوزده روزه شروع ودر تمام مشئون وتشکیلات امری اعم از محافل روحانی محلی وملی یعنی بیوت عدل خصوصی وعمومی وبالآخره در بیت العدل اعظم الهی اجراء میشود .

معهد اعلی بنص کتاب اقدس دارای قوه تشریحیه بعد از جمال اقدس

ابهی میباشد، بدین معنی که بیت العدل اعظم احکام غیر منصوصه در کتاب الهی را وضع مینماید و یا نسخ میکند. بنا بر این میتوان گفت که نظم اداری که مقدمه تاسیس نظم بدیع جهان آرای الهی است و اساس آن در کتاب اقدس گذارده شده بوسیله الواح وصایا و فرامین تبلیغی حضرت مولی الوری و همچنین ولایت امر الله بکمک موسسه ایادی امر الله و بهمت مهاجرین فداکار و محافل ملیه و محلیه در جمیع نقاط مختلفه عالم در جهان مستقر گردید و بجهانیان شناسانده شد.

بخصوص آنکه در مرکز جهانی روحانی و اداری امر الله مقام عظیم الشان مبشر اعظم<sup>(۱)</sup> که چون در گرانبها *ثی دتئاؤلوا* است و زیارتگاه عموم ملل و امم میباشد نشان دهنده آن نظم بی نظیر است بقیه مشروعات ارض اقدس که بعضی در زمان حیات مبارک اتمام یافته و هریک بنوبه خویش جزئی از اجزای نظم اداری امر الله میباشد مانند ساختمان عظیم الشان دارالاثار و مراقدر مسین اطهرین<sup>(۲)</sup> و مرقد منور حضرت ورقه علیا که به فرموده مبارک رمزی از تشکیلات امریه است و یا برخی دیگر از مشروعات طرح شده بوسیله هیکل مبارک که در دوران بیت العدل اعظم تشکیل یافته و یا تاسیس خواهد شد و همچنین مشرق الاذکارهای عظیم و بی نظیری که در قارات مختلفه دنیا نظراهل عالم را معطوف بخویش میسازند همگی در اثر مجاهدات و طرح نقشه های هیکل مبارک ولی امر عزیز الهی تهیه شده اند و عظمت نظم اداری امر الله را بعالمیان مینمایانند و بنای عظیم دارالتشريع محل استقرار آن معهدا علی و اساس نظم اداری امر الله بموازات اعمده و ستونها و بناهای دیگر در مرکز جهانی سالهای سال استوار و نشانه استقرار نظم بدیع جهان آرای الهی در آینده خواهد بود.

---

(۱) مقام اعلی  
(۲) مرقد حضرت غصن اطهر و مادرشان (ام الکائنات حرم جمال اقدس ابهی)  
(۳) ساختمان عظیم مقربیت العدل اعظم الهی





## فصل سوم

### انتظارات حضرت بهاء الله از اهل بهاء

#### عشق و انقطاع

با قدری تعمق در الواح مبارکه بخوبی میتوان دریافت که چون مومن حقیقی بمقام عشق الهی نائل شود و از خمر محبت یزدانی نوشد به مرتبه ای میرسد که در قلبش محلی برای عشق دنیا باقی نمی ماند و منقطع از ماسوی الله برای اعلاّی امرش قیام میکند نفوس مقدسه ای که حلاوت بیانات مبارکه جمال اقدس ابهی را چشیدند در راه عشقش آسایش این چندروزه دنیا ی فانی را فدای حیات باقی کرده پروانه وار خویش را بر آب و آتش زدند تا بوصول محبوب فائز شدند .

میفرمایند : " عمرها چون برق میگردد و فرقهها بر بستر تراب مقرر و منزل گیرد دیگر چاره از دست رود و امورا ز شست شمع باقی بی فانوس روشن و منیر گشته و تمام حجیات فانی را سوخته .

ای پروانگان بی پروا بشتا بید و بر آتش زنید و ای عاشقان بی دل و جان بر معشوق بیائید و بی رقیب نزد محبوب دوید گل مستور ببازار آمد بی سترو حجاب آمد و بکل ارواح مقدسه ندای وصل میزند چه نیکو است اقبال مقبلین ، فهنيئال للفا ئزين بانوار حسن بدیع " (۱)

مگر نه آنکه حضرت رب اعلی در سبیل عشق حضرت بهاء الله خویشستن و فرزندنا زنین را فدا فرمود ، مگر حضرت قدوس و باب الباب جز عشق چیز دیگری میشناختند و یا مگر آنهمه فدا کاریه ای اصحاب قلعه که از هستی دنیوی گذشته بدنبال آن دونفس مقدس روانه کربلای موعود شدند جز عشق الهی دلیل دیگری هم داشت ؟ و یا جمیع شهدای امر که رقص کنان بمیدان فدای شتافتند عاشقان واقعی نبودند ؟ پس عشق بود که انقطاع را بوجود آورد و انقطاع است که مراتب عشق را نشان میدهد و وارستگی از دنیا ی فانی است که عاشق را بمعشوق می

(۱) مجموعه الواح مبارکه (ص ۳۳۶)



میخواستند راحت میکردند بعد این حکایت را بیان فرمودند که یک نفر  
وقتی وارد برامیری شد شخص امیر میخواست با هدیه ای بدهد با اصرار  
با و یک پیراهن داد آن مرد در مراجعت چون در صحرا خسته شد پای درختی  
پیراهن را زیر سر گذاشته خوابید ولی از سوسه خیال خواب نرفت و  
بنظرش رسید که دزدی در خیال بردن پیراهن است آخر الامر برخاست  
پیراهن را دور انداخت و گفت تا این پیراهن و تعلق آن با من است من  
راحت نیستم و راحت در ترک آن است .

(۱)

چند خواهی پیرهن ز بهر تن تن رها کن تا نخواهی پیرهن  
و همچنین در جواب شخصی که پرسید با وجود امر با نقطاع چگونه است که  
بره رنفسی کسب و کار فرض شده فرمودند :

" در امر حضرت بهاء الله بره رنفسی اشتغال به صنعت و کسبی فرض است  
مثلاً من حصیر بافی میدانم و شما صنعت دیگر این عین عبادت است اگر  
با نهایت صداقت و امانت باشد و این سبب ترقی است اما با وجود  
مشغولیت اگر قلب تقیید و تعلقی با این دنیا نداشته باشد و از حوادث  
متالم نگردد نه با ثروت عالم از خدمت نوع انسان ممنوع ماند و نه از  
فقر محزون شود این کمال انسان است . . . . . الی آخر بیا نه الاحلی (۲)

### تحمل رزایا و بلایا

جمال اقدس الهی در کتاب عهدی میفرماید :

" مقصود این مظلوم از حمل شاداید و بلایا و انزال آیات و اظهار بینات  
اخمادنا رضیئنه و بغضاء بوده که شاید آفاق افئده اهل عالم بنور اتفاق  
منور گردد و به آسایش حقیقی فائز "

اگر نظری بتاریخ ادیان افکنیم می بینیم در جمیع ادوار مظاهر الهی  
و مومنین آن تحمل مصائب شدید نموده اند و در این ظهور مبارک  
صدمات و مشقاتی که بر هیکل مبارک میسر عظیم الشان و شاعر اعظم الهی  
در سیل عشق الهی و تربیت و هدایت نفوس وارد آمده بقدری شدید  
بوده که جز مطالع حقیقت الهیه هیچکس قادر به تحمل آن نیست .

(۱) و (۲) مضمون بیان مبارک از سفر نامه حلد اول

اما آن وجودات مقدسه بلا درسیل الهی را چون شهد و شیردانسته و مشقات و رزایا را عین راحت و نعمت الهی شمرده اند. همچنین مومنین و دلباختگان این آئین اعظم که بمقام عشق حقیقی فائز بودند تاسی به معبود حقیقی نموده در کمال میل و رغبت بلا یای در سبیل الهی را پذیرفته اند. حضرت بهاء الله در یکی از الواح راجع به این نفوس میفرمایند:

"... و چون مومنین و محبین بمنزله اعضا ن و اوراق این شجره مبارکه هستند لهذا هر چه بر اصل شجره وارد گردد البته بفرع و اغصان و اوراق وارد آید.... و لکن اگر چه در ظاهرا سیر و مقتول و مطرود بلا گذشتند اما در باطن بعنایت خفیه الهیه مسرورند و اگر از راحت جسمانی و لذت جسدی مهجورمانندند و لکن براحات روحانی و لذایذ فوکه معانی و شمرا ت جنت قدسی ملتذ و متنعم گردند و اگر ناس بدیده بصیرت ملاحظه نمایند مشهود که این بلایا و مشقت و رزایا که بر مخلصین و مومنین نازل و وارد است عین راحت و حقیقت نعمت است و این راحت و عزت معروضین از حق نفس مشقت و عذاب و زحمت است زیرا که نتیجه و ثمره این بلایا راحت کبری و علت وصول به رفرفا علی است... الی آخربیا نه الاحلی (۱)" حضرت عبدالبهاء در بیانات مبارکه خطاب به نفوسی که در سبیل الهی صدماتی دیده و مشقاتی تحمل کرده بودند میفرمایند:

"خوش بحال شما که در بلایای جمال قدم سهیم شدید" و یا میفرمایند: "اگر شما در ملکوت الهی عظیم است" و همچنین میفرمایند: "بلا در سبیل الهی باعث تقویت روح مومنین میگردد."

در بیانات و الواح مبارکه ذکر بی ارزش بودن دنیا و اینکه احیای الهی میبایستی تاسی بجمال قدم نموده و از بلایا و مشقات در راه الهی محزون نشوند مکرراً مده چنانچه میفرمایند: "... قسم به آفتاب افق توانائی اگر دنیا را قدری بود جمال قدم سنین معدودات در سجن اعظم ساکن نبود. انسان تا در دنیا است فی الحقیقه در سکر است بوده و هست مگر قلوب فارغه که بصر الهی در اشیاء ناظرند....." (۲)

(۱) مجموعه الواح مبارکه (ص) ۳۴۳  
(۲) مائده آسمانی جلد هشتم (ص) ۱۰۶



حضرت بهاء الله در لوح دنیا میفرمایند :  
" بگوای دوستان ترس از چه وبیم از که گلپاره های عالم بانک رطوبتی  
متلاشی شده و میشوند....." (۱)

و همچنین در لوحی خطاب به احمد میفرمایند :

" دنیا نمایی است بی حقیقت و نیستی است بصورت هستی آراسته دل  
با و مبندید و از پروردگار خود مگساید و مبادید از غفلت کنندگان برآستی  
میگویم که مثل دنیا مثل سرابی است که بصورت آب نماید و صاحبان  
عطش در طلبش جهد بلیغ نمایند و چون با و رسندی بهره وی نصیب ما نند  
و یا صورت معشوقی که از جان و روح عاری مانده و عاشق چون بدور سسد  
لایسن و لایغنی مشا هده نماید و جز تعب زیاده و حسرت حا علی نیابد . ای  
عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله مورب خلاف رضاء از  
جبروت قضاء واقع شود دل تنگ مشوید که یا م خوش رحمانی آید و عالمهای  
قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر  
و عیشی معین و رزقی مقرر است البته جمیع آنها رسیده فائز گردید . . .  
الی آخربیانہ الاحلی" (۲)

این است که مومنین امر الهی که بعشق جمال اقدس الهی زنده اند با  
زیارت بیانات مبارکه و برای اجرای نوایای مقدسه اش پای در  
میدان خدمت و تبلیغ می دهند . تاسی بحمال قدم کرده منقطع از  
مظاهر دنیوی ترک راحت و آسایش نموده در بلاد دور و نقاط بدآب و هوا  
هجرت اختیار میکنند و هرگز از صدمات وارده دلگیر و غمگین نمیشوند  
زیرا بفرموده مبارک دلخوشند و میدانند که عالمهای قدس روحانی در  
پیش است و عوالم خوش رحمانی جلوه خواهند نمود .

در خاتمه این قسمت از لوح شکرشکن که به نام میرزا سید  
حسین متولی قمی در بغداد نازل شده زیب این اوراق میگردند تا بر  
اهمیت موضوع بیش از پیش وقوف حاصل شود .

#### هو العلی الاعلی

شکرشکن شونده طوطیان هند زین قندیا رسی که به بنگاله میرود

مکتوب آن جناب بر مکمن فنا واصل و بر مخزن تسلیم و رضا وارد و آنچه

(۱) مجموعه الواح مبارک (ص) ۲۸۷ (۲) مجموعه الواح مبارکه (ص) ۳۲۸

مسطور شد منظور گشت و هر چه مذکور آمد صحیح و درست و لکن محبان و  
محرمان حریم مقصود از بلا پروا ندادند و از قضا احتراز نجویند.....  
نزدشان شمشیر خون ریز از خریر بهشتی محبوب تراست و تیرتیز از شیر  
أم مقبول تر.

زنده دل باید در این ره صد هزار تا کند در هرنفس صد جان نثار  
دست قاتل را باید بسید و ورقص کنان آهنگ کوی دوست نمود.  
گردن برافراختیم و تیغ بیدریغ یا را بر ایتما مشتاق مشتاقیم، سینه  
را سپر نمودیم و تیر قضا را بجان محتاجیم، ازنا مبیزاریم و از هر چه غیر  
اوست برکنار، فرار اختیار نکنیم و بدفع اغیار نپردازیم، بدعا بلا  
را طالبیم تا در هواهای قدس روح پرواز کنیم و در سایه های شجرانس  
آشیان گیریم..... الی آخر بیا نه الاحلی" (۱)

### خدمت و تبلیغ

برای کسب رضای الهی اولین تعلیمی را که میبایستی بآن عامل  
باشیم خدمت به امر مبارک است بهائی حقیقی که از کاس ایمان و  
ایقان نوشیده این دستور مبارک را که در کتاب مستطاب اقدس نازل  
شده اول وظیفه خویش میداند:

"نصروا یا قوم اصفیا ئی الذین قاموا علی ذکری بین خلقی و ارتفاع  
کلمتی فی مملکتی اولئک انجم سماء عنایتی و مما بیح هدایتیی  
للخلائق اجمعین."

همچنین جمال اقدس ابهی در یکی از الواح میفرمایند:  
یا حسین بمحبت الهی و شعله نار مودت رحمانی بر خدمت امر قیام نما  
امروز هرنفسی اراده نصرت نماید باید از ما عنده بگذرد و بما عند الله  
ناظر باشد یا حسین امروز دریای کرم مواج و اشراقات انوار آفتاب جود  
کل وجود را احاطه نموده هرنفسی لله برخاست قعودا و رانبیند و توقف  
او را اخذ نکند بجنود بیان بروح و ریحان گمراهان را هدایت نماید  
و ضعیفان را قوت بخشد....." (۲)

(۱) دریای دانش

(۲) آثار قلم اعلی جلد ششم (ص) ۲۷۳

و همچنین خطاب به اماء الرحمن میفرمایند :

ای کنیزان من امروز روز ذکر و بیایانست و امروز روز خدمت و عرفان  
جهد نمائید تا از کوشش و بیایان بیایانست . . . . . الی آخر بیایانست (۱)  
در اثر دستورات ائمه جماعه اقدس ابی بود که مرکز میثاق حضرت  
مولی الوری برای نصرت امر مبارک قیام و اوقات خویش را چه در سخن  
و چه در آزادی مصروف خدمت امر الهی فرمودند .

جمال قدم خطاب بیکی از احباء میفرمایند :

"الیوم برکل احبای الهی لازمست که آنی در تبلیغ امر مبارک عمل  
نمایند و در کل حین بمواظظ حسنه و کلمات لینه ناس را بشریعت عز  
احدی دعوت نمایند چه اگر نفسی الیوم سبب هدایت شود اگر شهید فی  
سبیل الله در نامه عمل او از قلم مرثبت خواهد شد این است فضل  
پروردگار تو در باره عباد مبلغین." (۲)

اهمیت موضوع تبلیغ که از خدمات عظیمه این امر مبارکست بقدری  
زیاد است که همکل مبارک شارع اعظم فرموده اند :

"بعدا ز عرفان حق جل جلاله و استقامت هیچ امری اعظم از تبلیغ نبوده  
و نیست . صدهزار طوبی از برای نفسی که با این هر سه فائز . هم از  
کاس عرفان نوشیده و هم با استقامت کبری فائز و هم به تبلیغ امر مشغول  
اگر از این مقام بقدر سما بره بر اهل ارض تجلی نماید کل منصعق شوند ."  
حضرت عبدالبهاء روح ما سوا هفداء بدوستان توصیه میفرمایند که اقلاهر  
یک با ید در مدت یکسال یک نفس را تبلیغ نماید و میفرمایند این  
عزت ابندی است و موهبت سرمدی و همچنین در الواح وصایای مبارکه  
بیاناتی میفرمایند که دیگر برای هیچکس پس از زیارت آن جای درنگ  
نیست . میفرمایند :

"در این ایام همه مورهدایت ملل و امام است باید امر تبلیغ را مهم  
شمرد زیرا اساس است این عبد مظلوم شب و روز به ترویج مشغول  
گردیدد دقیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه نمود  
و آوازه ملکوت ابی خاور و باختر را بیدار کرد . یاران الهی نیز

(۱) آثار قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۱۱۷

(۲) کتاب گنجینه حدود و احکام (ص) ۲۵۵ و ۲۵۴

چنین باید فرمایند، این است شرط وفای این است مقتضای عبودیت  
آستان بهاء " .

آری ما اهل بهاء اگر خدای ناکرده از مصائب و بلاهای بهراسیم و ندای  
امر الهی را بگوش ناس نرسانیم شرط وفا را بجانیا ورده ایم و بر اثر  
اقدام مثل اعلای امر الهی (حضرت عبدالبهاء) مشی نکرده ایم و در  
حقیقت از عبودیت آستان بهاء دوری گزیده ایم .

حضرت ولی نازنین امر الهی . کراراً در توقیعات مبارکه اهل بهاء را  
امر به تبلیغ و خدمت فرموده و در توقیع مبارک سال ۱۹۳۶ میفرمایند :  
"تبلیغ امر الله و نشر نجات الله و احترام شریعة الله و اعزاز دین  
الله و تنفیذ احکام کتاب الله از افضل و اشرف اعمال در این ایام  
محسوب ....."

همچنین حضرت ولی امر الله در بیانات مبارکه این ندای عظیم حضرت  
عبدالبهاء را که در فرامین تبلیغی احبای آمریکا مرتفع شده نقل  
فرموده اند و احبای آمریکا را برای قیام و مسافرت و مهاجرت بصفحات  
دیگر تشویق فرموده اند آن بیان مبارک اینست :

"..... پس به تقین بدانید که هر نفسی الیوم بنشر نجات الله قیام  
نماید و بنود ملکوت الله تا ئید فرماید و اللطاف و عنایات جمال مبارک  
احاطه کند . ای کاش از برای من میسر میشد که پای پیاده و لوبکمال  
فقر به آن صفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه  
و بیابان و دریا یا بهاء الابهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی مینمودم  
ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم بلکه انشاء الله  
شما ها موفق گردید . " (۱)

### تبلیغ به اعمال است

پس از زیارت بیانات مبارکه شارع اعظم و دومین عظیم الشان امر  
الهی کاملاً واضح و مبهرهن میگردد که برای نجات اهل عالم تنها گفتار  
کافی نیست بلکه اهل بهاء میبایستی خود را به زینت اعمال پسندیده

(۱) فرامین تبلیغی در جلد سوم مکاتیب (ص) ۲۲

بیا را یند و با رفتار رحمانی ناس را هدایت کنند و از آنجا نیکو گه در کتاب مستطاب اقدس والواح متعدده اهل بهاء را به معاشرت با جمیع ادیان امر فرموده و میفرمایند:

"عاشرو مع الادیان کلها بالروح والریحان"

اهل بهاء با ید نمونه حقیقی باشند و با عمل بدستورات مبارکه مقصد و هدف این آئین اعظم را به یارو اغیارینمایانند. آن هیاکل مقدسه درالواح مبارکه جمیع رایه اعمال نیکو تشویق نموده و بیانات مفصله راجع باین امر مهم فرموده اند و حضرت بهاء الله اولین آیه کتاب مستطاب اقدس را راجع بعمل بدستورات مبارکه نازل فرموده و میفرمایند که عرفان مشرق وحی میبایستی با عمل توام باشد و یکی بدون دیگری مورد قبول درگاه الهی نیست و همچنین میفرمایند:

یا حزب الله بخود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید اصلاح عالم از اعمال طیبه ظاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده. ناصرا مر اعمال است و معینش اخلاق یا اهل بهاء بتقوی تمسک نمایند.....  
الی آخربیانہ الاحلی" (۱)

در کتاب عهدی که وصایای جمال اقدس ابهی است احای الهی را به راستی و درستی و امانت و ادب و وقار امر فرموده و با اتحاد و دوستی دعوت و جمیع را از فساد و نزاع و جدال نهی میفرمایند. حضرت ولی امر الله در یکی ازالواح مبارکه بیاناتی فرموده اند که کیفیت تبلیغ با اعمال و رفتار را میتوان از آن آموخت قواہ الاحلی:

"برادران و خواهران روحانی: عالم بشر منتظر است و قلب حضرت عبدالبهاء در ملکوت ابهی متمنی و شائق که بهائیان تعالیم حضرت بهاء الله را از حیز قبول به حیز عمل رسانند این چه فرصت مبارکی است با ید اقدام نمود و باب معاشرت و مراوده را با تمام ملل باز کرد ایام گوشه نشینی و سکوت و خموشی گذشته با ید از زاویه خمول در آئیم و در میدان وسیع قدم گذا ریم و معاشرت بعمل نمائیم مقصود این نیست که حکمت را فراموش نمائیم و پرده دری نمائیم و از حد اعتدال خارج گردیم

(۱) مجموعهالواح مبارکه (ص) ۲۸۸ لوح دنیا

و بمخالفت اصول و قوانین و رسوم دولت و ملت قیام کنیم حاشا که  
یا زان الهی چنین نمایند بلکه مقصود این است که به اعمال و افعال  
تبلیغ امر حضرت بهاء الله نماید تبلیغ با اعمال حکمت قبـــــول  
نمایند و تقیید و تحدیدی نداند..... الی آخر بیا نه الا حلی". (۱)

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح میفرماید:

"ایمان و ایقان مانند شجر بوستان است و افعال و اعمال ممدوحه در  
کتاب بمثابه شمر سراج را نور ساطع لازم و نجوم را شعاع لامع واجب" (۲)  
همچنین اهل بهاء را دعوت میفرماید که بالواح مقدسه رجوع نمایند  
و در الواح اشراقات و تطبیات و کلمات و بشارات و طرازات و کتاب  
اقدس که تعالیم الهیه در آن کتب نازل شده دقت نمایند و این تعالیم  
الهیه را که درمان درد عالم انسانی است و مسرهم زخم آن بیما ربه  
عالمیان عرضه دارند.

آری برای شناساندن امر الهی بعموم اهل عالم و کمک بتحقیق وحدت  
عالم انسانی باید بهائی حقیقی بود و عرفان و عمل را توأم ساخت  
و احکام الهی را همواره در مدنظر داشت بفرموده مبارک حضرت  
عبدالبهاء باید بحقیقت بهائی بودن به اسم و نام. تعالیم الهیه هر  
کدام بنحوی از عظمت و حقیقت امر مبارک حکایت میکنند و آنچه را که  
سزاوار این روز اعظم الهی است عیان میسازد در الواح مبارکه راجع  
به وظائف احیاء در این روز مبارک بیانات مفصله ای ذکر شده که به  
نقل چند قسمت مختصرا کتفاء میشود.

"الیوم یومی است که باید هر نفسی منقطعاً عن کل الجهات بذکر سلطان  
آیات مشغول شود..... بتمام جد و جهد بر نصرت امر قیام نما، زود است  
که شمرا ت اقبال و اعمال را اهل حق در ملکوت مشاهده نمایند". (۳)  
"الیوم یوم عجز و ابتها ل است نیستی بحت محبوب بوده و خواهد بود و هر  
نفسی باین مقام فائز شد عند الله از اهل مدائن بقا محسوب است" (۴)  
"امروز روزیست که کل احباب باید بشطروها ب ناظر باشند و بخدمت امر  
الله قیام نمایند" (۵)

(۱) توقیعات مبارکه جلد اول (ص) ۶۷ توقیعی بافتخا را حیای شرق

(۲) مکتب جلد دوم (ص) ۲۷۱

(۳) و (۴) آثار قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۴۵ (۵) صفحه ۵۷

"امروز روز منسوب بحق . . . . . طوبی از برای نفوسی که او را شناختند  
و برا مرش ثابت و مستقیم شدند" (۱)

"الیوم یوم خدمت است، الیوم یوم عمل خالص است باید جمیع دوستان  
بعنایت رحمن با عمل حسنه و با خلاق مرضیه و بیانات شافیه به هدایت  
عباد مشغول شوند" (۲)

"الیوم باید کل لیله ناطق باشند و الی الیه ناظر چشم را از افق اعلی  
محرور نمائید و گوش را از اصغای کلمات مالک اسماء منع نکنند و قلب  
را از توجه با و باز ندارند و عقل را از تفکر در آثار قدرتیه و شئونات  
ظاهره محبوب نسازند" (۳)

و بالاخره در یکی از بیانات مبارکه که بفارسی سره نازل شده  
میفرمایند:

"بشنوید آواز این زندانی را بایستید و بگوئید شاید آن آنکه در خوابند  
بیدار شوند. بگوای مردگان دست بخشش یزدانی آب زندگان سی  
میدهد بشتا بید و بنوشید هر که امروز زنده شد هرگز نمیرد و هر که امروز مرد  
هرگز زندگی نیابد" (۴)

حال که اهمیت خدمت با اعمال و افعال روشن و واضح گردید لازمست  
بدانیم اعمالی که جمال اقدس الهی از ما انتظار دارند کدامست و  
چگونه میتوان مورد رضای الهی واقع شد لذا به نقل بعضی از نصوص  
مبارکه راجع به اعمال پسندیده که غفلت از آنها ضرر به امر الله راجع  
میگردد و همچنین دستوراتی که اطاعت از آن باعث تقرب بیدرگاه الهی  
و برکت روحانی و جسمانی است اقدام میشود.

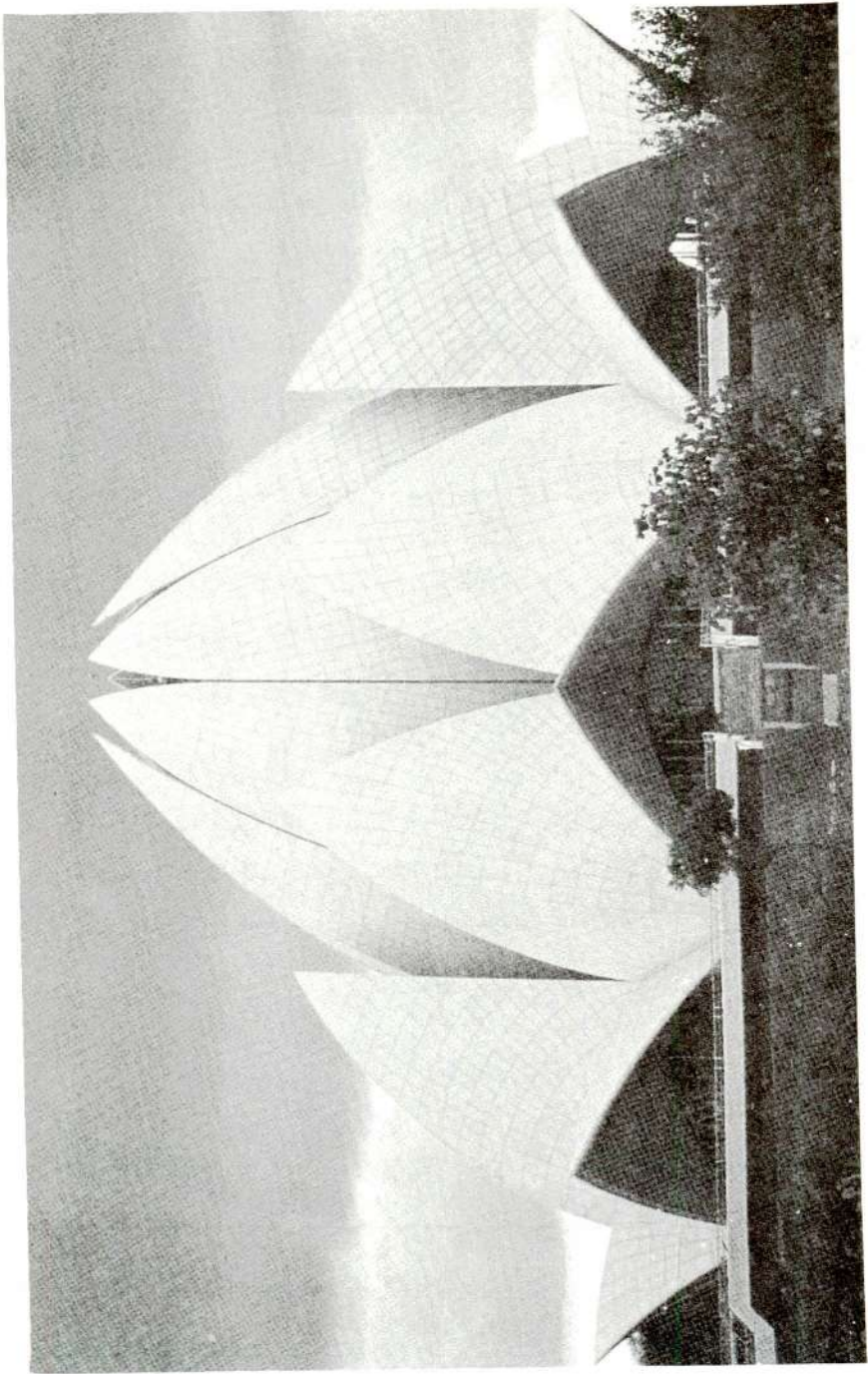
---

(۱) آثار قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۱۰۴

(۲) آثار قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۱۰۷

(۳) آثار قلم اعلی جلد پنجم (ص) ۱۰۸

(۴) مجموعه الواح مبارکه (ص) ۲۶۱





## فصل چهارم

### قسمتی از نصوص مبارکه راجع به اعمال یک بهائی نمونه

هر فردی که خود را منسوب باین آئین اعظم الهی میدانند اهمیت اعمال پسندیده و رفتاری را که در کتب مقدسه الهیه به انجام آن موظف گردیده درک میکند و در اولین مقام این دستور مبارک حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلی که در کلمات مکنونه عربی میفرمایند:

"یا ابن الروح فی اول القول املک قلبا جيدا حسنا منیرا" را شعار خود قرار داده و پس از آنکه دارای قلبی روشن و نیکو و منیر گردید با خلوص و ایمان قوی در احکام و دستورات نازل در کتاب مستطاب اقدس والواح مبارکه دقت کامل مینماید و سعی بلیغ مبذول میدارد که بآنچه در کتاب الهی بآن امر شده عمل کند و از منهیات احتراز و دوری جوید. و بالاخره به این آیه مبارکه کلمات مکنونه که میفرمایند:

"یا ابن الوجود احاسب نفسک فی کل یوم من قبل ان تحاسب لان الموت یا یتک بغته و تقوم علی الحساب فی نفسک"

بیش از پیش توجه مینماید. بدین معنی که بنا بر دستور مبارک فوق در هر شام با اعمال خوش در روز گذشته خویش نظر نموده و حساب میکند که آیا آنچه در آن روز انجام داده مطابق دستورات مبارکه بوده؟ و آیا با داشتن این صفات و اعمال روزانه میتوان گفت که متخلق با اخلاق ملکوتی است؟

در اینصورت مصمم میشود که روز دیگر بنیش از پیش با صلاح رفتار و اعمال خویش پردازد تا مرضی رضای الهی گردد و این امر میسر نشود مگر بتلاوت آیات الهیه و کتب مقدسه. اگر هر فرد بهائی باین امر بسیار مهم موفق گردد و دستورات الهیه را از لابلای کتب و صحف درآورده بیا موزد و بآن عمل کند نمونه یک فرد بهائی حقیقی میشود.

بطور مثال آن فرد مومن موقن بنا بر دستورات مبارکه مصاحبت ابرار را غنیمت دانسته و از مرافقت اشرار دوری میکند و معاشرت و دوستی با نفوسی را که دارای اعتقادات قوی نسبت بذات غیبی الهی و پیغمبران عظام و رفتار و گفتاری منزّه و پاک هستند مقدم بر افراد دیگر میدارد و از طرف دیگر در کمال محبت و مهربانی کسانی را که از این فیض الهی محروم و یا منحرف و بی خیر از نتایج اعمال ناپسند خویش هستند هدایت مینماید.

آری، هر فرد مومن موقن میدانند که دارا بودن اخلاق رحمانی و متصف بودن بصفات الهی و مشی نمودن در اثار اقدام مثل اعلائی دیانت مقدس بهائی حضرت مولی الوری روح ما سوا هفداء که خوشتن را عبدالبهاء نامید و صفات مبارکش سر مشق جمیع اهل بهاء است از وظائف حتمیه هر فرد بهائی است.

### دعا و مناجات سبب توجه بحق و جلب تائید است

جمال اقدس ابهی در کتاب مستطاب اقدس میفرماید :

"اتلوا آیات اللہ فی کل صباح و مساء ان الذی لم یتل لم یوف بعهد اللہ و میثاقه و الذی اعرض عنها الیوم انه ممن اعرض عن اللہ فی ازل الازل اتقن اللہ یا عبادی کلکم اجمعون".

حضرت عبدالبهاء روح ما سوا هفداء میفرماید :

"هر روز صبح و شام فرض و واجب است الواج و مناجات خوانده شود آیات غذای روح است روح قوی میشود و بدون آن از کار میافتد". (۱)

همچنین میفرماید : "دعا واسطه ارتباط میان حق و خلق است و سبب توجه و تعلق قلب، هرگز فیض از اعلی با دنی بدون واسطه تعلق و ارتباط حاصل نگردد اینست که بنده باید بدرگاه احدیت تضرع و ابتهال نماید و نماز و نیاز آرد". (۲)

راجع به تلاوت آیات و عمل بدستورات مبارکه حضرت مولی الوری در

(۱) گنجینه حدود و احکام (ص) ۱۵۰

(۲) مائده آسمانی جلد نهم (ص) ۲۷

لوحی بافتخار احبای آلمان میفرمایند :  
 کلمات مکنونه تلاوت نمائید و بمضمون دقت کنید و بموجب آن عمل  
 نمائید الواح طرازات و کلمات و تجلیات و اشراقات و بشارات را  
 با معان نظربخوانید و بموجب آن تعالیم الهیه قیام نمائید تا آنکه  
 هریک شمعی روشن گردید و شاهدانچمن شوید" (۱) .  
 همچنین درباره نماز و روزه که از احکام کتاب مستطاب اقدس است  
 حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

"صلوه و صیام از اعظم فرائض این دور مقدس است اگر نفسی تاویل نماید  
 و تهاون کند البته از چنین نفوس احترازا لازم والا فتور عظیم در دین  
 اله حاصل گردد" (۲) .

حضرت ولی امر الله در توقیع مبارک صدر و بدیع میفرمایند :  
 "نماز تکلیف شرعی یا ران است و از ارکان شریعه الله محسوب و تاثیر  
 آن از ادعیه و مناجاتهای نازل شدید تر . . . ."  
 حضرت عبدالبهاء در تاثیر مناجات برای طلب بخشش میفرمایند :  
 "تلاوت مناجات و ترتیل آیات و طلب غفران خطیئات سبب عفو قصور  
 است و علو درجات مومنین و مومنات" (۳) .

#### امانت و صداقت از اساس دین الهی است

در لوح مبارک طرازات از لسان قدم این کلمات عالیات نازل  
 قوله الاحلی :

"طرازها رم فی الامانه انها باب الاطمینان لمن فی الامکان و آیه  
 العزه من لدی الرحمن من فازیها فازیکنوز الشروه والغناء امانت  
 باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق قوام هرا مری از امور  
 با و منوط بوده و هست عوالم عزت و رفعت و ثروت بنور آن روشن و منیر!  
 و همچنین جمال اقدس الهی در یکی از الواح مبارکه حکمت امانت  
 و درستی را چنین بیان میفرمایند :

"اگر احبای الهی بپردازان امانت و صدق و راستی مزین نباشند ضررش

(۱) مکاتیب جلد سوم (ص) ۹۳

(۲) ماده آسمانی جلد نهم (ص) ۸۱

(۳) ماده آسمانی جلد نهم (ص) ۸۴

بخود آن نفوس و جمیع ناس راجع اولاً آن نفوس ابد محل امانت  
کلمه الهیه و اسرار مکنونه ربانیه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و  
اعراض ناس بوده و خواهند بود وراثتها قهر الله و غضبه و عذاب الله و  
سخطه". (۱)

حضرت عبدالبهاء روح ما سوا هفداه میفرماید :

"اما قضیه امانت و دیانت فی الحقیقه در این دور بدیع اعظم برهان  
ایمان و ایقان است در احوح امانت ملاحظه فرمائید که از قلم اعلی  
صادر و از برای انتباه کل کفایت است اگر نفسی بجمیع اعمال خیریه  
قائم ولی در امانت و دیانت ذره ای قاصر اعمال خیریه مانند سپند  
گردد و آن قصور آتش جانسوز شود ولی اگر در جمیع امور قاصر لکن به  
امانت و دیانت قائم عاقبت نواقص اکمال شود و زخم التیامیابد و در  
درمان شود مقصود آنست که امانت عند الحق اساس دین الهی است و  
بنیاد جمیع فضائل و مناقب است اگر نفسی از آن محروم ماند از جمیع  
شئون محروم . با وجود قصور در امانت و دیانت چه ثمری و چه اثری و چه  
نتیجه ای و چه فایده ای". (۲)

انصاف و عدل از الزام موراست حضرت بهاء الله حل ذکره الاعلی میفرماید  
اصحاب انصاف و عدل بر مقام اعلی و مرتبه علیا قائمند انوار برترو  
تقوی از آن نفوس مشرق و لائح امید آنکه عباد و بلاد از انوار این دو  
نیتر محروم نمائند .

عالم را ظلم احاطه نموده و سحاب بغضاء انوار نیر عدل را منع کرده  
مفتریات رواجی گرفته ، ظالم دعوی مظلومیت مینماید سبحان الله به  
شانی عباد را اخذ نموده که از برای دو یوم از ملک لایقنی گذشته اند و  
به بغی و فحشاء مشغول اند .

افق انصاف را غما ماعتساف اخذ نموده و سراج عدل را دریای ظلم  
احاطه کرده لذا من غیر شعور ناطق اندومن غیر دلیل سالک (۳)

(۱) کتاب اقتدارات (ص) ۱۶۸

(۲) مائده آسمانی جلد نهم (ص) ۱۰۱

(۳) اصول عقاید بها ئیان

به تقوی و عفت و راستی و ادب باید تمسک جست حضرت بهاء الله میفرماید  
 براستی میگویم تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر الهی و  
 جنودی که لایق این سردار است. اخلاق و اعمال طیبه ظاهره مرضیه بوده  
 وهست (۱)

یا حزب الله شمارا به ادب وصیت می نمایم و او است در مقام اول سید  
 اخلاق (۲)

بگوزبان گواه راستی من است او را به دروغ میا لائید و جان گنجینه  
 راز من است او را به دست آزمسپارید (۳)  
 براستی میگویم لسان از برای ذکر خیر است او را به گفتار زشت میا لائید (۴)

### تحصیل علوم و فنون فرض است

علم بمنزله جناح است از برای وجود و مراقبه است از برای صعود تحصیلش  
 بر کل لازم و لکن علومی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومی که به  
 حرف منتهی گردد صا حیان علوم و صنایع را حق عظیم است بر اهل عالم (۵)

### غیبت و تهمت و افترا از منتهیات است

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"قد حرم علیکم القتل والزنا ثم الغیبه و الافتراء اجتنبوا عما نهیتم  
 عنه فی الصحائف و الالواح" (۶)

حضرت عبدالبهاء جل شانه در لوح دکترا سگیز و اشنگتن میفرماید:  
 قوله الاطی: بدترین خلق انسانی و گناه عظیم غیبت نفوس است  
 علی الخصوص صدورش از احبای الهی اگر نوعی میشد که ابواب غیبت  
 مسدود میشد و هریک از احبای الهی ستایش دیگران را مینمود آنوقت  
 تعالیم حضرت بهاء الله نشر مییافت قلوب نورانی میگشت روحها  
 ربانی میشد عالم انسانی سعادت ابدی مییافت امیدم چنان است که  
 احبای الهی بکلی از غیبت بیزار شوند و هریک ستایش یکدیگر نمایند  
 و غیبت را سبب نقامت الهی بدانند تا به درجه ای رسد که هر نفسی اگر

(۱) کتاب عهدی (۲) لوح دنیا (۳) مجموعه الواح مبارکه بیان  
 حضرت بهاء الله (ص) ۲۶۵ (۴) کتاب عهدی (۵) اصول عقائد بها  
 (۶) آیه (ص) ۵۰

کلمه‌ای غیبت نماید در بین جمیع اعیان رسوا شود زیرا مبعوض ترین  
اخلاق غیب جوئی است باید تحریر مداخل نفوس نمودند تجسس عیوب  
نفوس بقدر امکان باید از عیوب چشم پوشید . . . . . الی بیانہ الاحلی (۱)

### احتراز از نزاع وجدال

حضرت بهاء الله جل ثناؤه میفرماید قوله الاحلی:  
حق شاهد و گواه است که غری از برای امر الیوم عظم از فساد و نزاع و  
جدال و کدورت و برودت ما بین اعیان نبوده و نیست (۲)

### عالم به نور اتحاد و اتفاق روشن است و حکم به معاشرت به جمیع اهل عالم

ای اهل بهاء بشنویدند ای مشفق یکتا را اهدنما ئید تا نور اتفاق عالم  
را منور سازد و اتفاق را مزین ، اختلاف در جمیع قرون و اعصار سبب تزعزع  
و ذلت بوده و هست (۳)

ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمائید اگر  
نزد شما کلمه و یا جوهری است که دون شما از آن محروم به لسان محبت  
و شفقت القانما ئید اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل والا و رابه او  
واگذارید و در باره او دعانمائید . (۴)

بگوی عباد ، اسباب نظم را سبب پریشانی منمائید و علت اتحاد را  
علت اختلاف مسازید (۵)

این مظلوم حزب الله را از فساد و نزاع منع فرمود و به اعمال طیبه ظاهره  
و اخلاق مرضیه روحانیه دعوت نمود . . (۶)

ای اهل عالم فضل این ظهور اعظم آنکه آنچه سبب اختلاف و فساد و اتفاق  
است از کتاب محو نمودیم و آنچه علت الفت و اتحاد و اتفاق است ثبت  
فرمودیم . . . . .

---

(۱) گنجینه حدود و احکام  
(۲) اقتدارات (ص) ۲۲۲  
(۳) اصول عقاید بهائیان  
(۴) اصول عقاید بهائیان  
(۵) کتاب عهدی  
(۶) لوح دنیا

## اشتغال با مورد را یا محرّمه اکیدا ممنوع است

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح میفرماید:

"... درایا مسنه نه روز اشتغال بشغلی فی الحقیقه جائز نه بعضی  
نصوص الهیه و بعضی قیاس بآن.

یوم اول و ثانی محرم و سه روز عید رضوان و یوم هفتادم نوروز و یوم نیروز  
و یوم بیست و هشتم شعبان. و یوم پنجم جمادی الاولی... این نه روز  
اشتغال بکسب و تجارت و صناعت و زراعت جائز نه و همچنین اجرائی  
مقتضای مناصب و وظائف یعنی اجرای خدمت حکومت و علیک البهاء  
الابهی".

عع

همچنین میفرماید:

"حق چوپان درایا ممنوعه از کار در عید رضوان سخت گرفته نشده است  
بجهت اینست که ظلم به حیوان است اما آبیا نمیتواند محلی مهیا نماید  
که ایایا ممنوعه آب در آنجا جمع گردد و در اوقات سائره بزراعت داده  
شود".

حضرت ولی امر الله فرموده اند:

"کسر حد و دبهی چوجه من الوجوه جائز نه و استثنائی مقبول و محبوب  
نیوده و نیست. سستی و تهاون در این مورد علت از دیبا دجرات  
و جبارت دشمنان امر الله خواهد شد".

همچنین در جواب سئوال محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران  
شید الله ارکانه فرموده اند:

"اشتغال با مورد لرلیل و نهار هر دو از محرّمات حتمیه است....."  
همچنین میفرماید:

"ما محافل و لجنات و دوائرا مریه درایا مصیبات تعطیل آنها احسن  
و اولی ولی قرار قطعی نهائی در این خصوص راجع به بیت عدل  
عمومی است".

راجع بتعطیلات سه روز عید اعظم رضوان جمال اقدس ابهی در لـوـحی  
میفرماید:

- 
- (۱) تولد حضرت اعلی و تولد حضرت بهاء الله بحساب هجری قمری  
(۲) صعود حضرت بهاء الله بحساب هجری شمسی (۳) روز شهادت حضرت بی  
اعلی بحساب هجری قمری (۴) روز بعثت حضرت اعلی بحساب هجری قمری  
کتابیات از گنجینه حد و دوا احکام

قوله الاحلی: "یوم سی ودوم که اول عید است وهمچنین یوم نهم ویوم چهل وسوم که منتهی الایام است کسب وشغل حرام گشته کل باید بروح و ریجان بمعاشرت دوستان والقاء حب در قلوب مشغول شوند".

### پرداخت حقوق الله حتمی و واجب وباعث تطهیرا سوال است

در کتاب مستطاب اقدس لسان قدم میفرمایند:  
والذی تملک مائة مثقال من الذهب فتسعة عشر مثقالا لله فاطرا الارض  
والسماء ایاکم یا قوم ان تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل العظیم....."  
وهمچنین میفرمایند:  
"..... یا قوم لاتخونوا فی حقوق الله ولا تصرفوا فیها الا بعد اذ نسبه  
کذلک قضی الامر فی الالواح و فی هذا اللوح المنیع من خان الله  
بیخان بالعدل والذی عمل بما امر ینزل علیه البرکة من سماء عطاء ربه  
الفیاض المعطى البازل القدیم".

همچنین جمال اقدس ابهی در لوح سمندر میفرمایند:  
"واما درباره حقوق الله نصاب آن واحداست یعنی هر نفسی اگر دارای  
نوزده مثقال ذهب شود و یا اشیا نیکه باین قیمت برسد بعد از وضع <sup>(۱)</sup> مؤنه  
سنه حقوق بر آن تعلق میگیرد و ادای آن واجب". (۲)  
وهمچنین در رساله سئوال وجواب میفرمایند:  
"نقطه اولی میفرمایند از بهاء کل شیئی که مالک اند باید حقوق الله  
را ادا نمایند و لکن در این ظهور اعظم! سباب بیت و بیت مسکون را عفو  
نمودیم یعنی اسبابی که ما یحتاج به است". (۳)  
و در ادای حقوق الله برای اثاث دکان میفرمایند:

"حکم اثاث بیت بر آن جاری"

حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلی در لوح آقا محمد کریم میفرمایند:  
"امر حقوق بسیار عظیم است و سبب و علت برکت و نعمت و رفعت و عزت  
بوده و هست".

---

(۱) مؤنه سنه یعنی مخارج سالانه (۲) گنجینه حد و دوا حکام (ص) ۹۵  
(۳) گنجینه حد و دوا حکام (ص) ۹۷



حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا میفرمایند :  
"ای پاران عبدالبهاء محض الطاف بی پایان حضرت یزدان بسه  
تعین حقوق الله برعباد خویش منت گذاشت ولاحق مستغنی از کائنات  
بوده و الله غنی عن العالمین اما مفروضی حقوق سبب ثبوت و رسوخ  
گردد"

در خاتمه باید متذکر شد که حقوق الله و تبرع با یکدیگر فرق دارند  
پرداخت حقوق الله از فرائض است . هر فزیهائی که پس از وضع مخارج  
معادل قیمت نوزده مثقال طلا عایدش شد صدی نوزده آن متعلق بحقوق  
است و میبایستی پرداخته شود و نپرداختن آن خیانت به حق است .  
اما تبرعات جداگانه و بسته بمیل افراد بهائی پرداخته میشود حضرت  
ولی امر الله میفرمایند :  
"برای پیشرفت امور روحانیه و فتوحات امریه اسباب مادیه و وسائل  
مالیه لازم (۱) . . . . . (۱)

#### دخالت در سیاست بکلی منع شده

جمال اقدس ابهی جل ذکره الاعلی در لوح عهدی میفرمایند :  
"یا اولیاء الله و امنائی ملوک مظاہر قدرت و مطالع عزت و شروت  
حق اند در باره ایشان دعا کنید حکومت ارض بآن نفوس عنایت شود و  
قلوب را برای خود مقرر داشت"

سیاست عبارتست از علم اداره امور مردم در اجتماعات کوچک و بزرگ  
که شارع اعظم حکومت ارض را به سیاستمداران واگذار فرموده و حضرت  
عبدالبهاء مبین عظیم الشان امرالهی در الواح مبارکه وصایا و در  
الواح متعدده دیگر جمیع اهل بهاء را به اطاعت از حکومت و خدمت  
به مملکتی که در آن زیست میکنند در نهایت صداقت و امانت امر می  
فرمایند ولی از مداخله در امور سیاسی و رابطه با احزاب مختلفه منع  
میفرمایند بلکه اهل بهاء را به دوستی و مودت با جمیع ملل و دول  
و قبائل و فرق ارض امر میفرمایند .

(۱) توقیعات مبارکه جلد اول (ص) ۳۱۳

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح میفرمایند :

"مداخله در امور سیاسی به عاقبت پشیمانی است لایسن ولایغنی باید از  
عموم احزاب در کنار بود افکار را در آنچه سبب عزت ابدیه است بکار برد"<sup>(۱)</sup>  
حضرت ولی عزیز امرالله در توقیع مبارک سال ۱۹۲۴ بعدمداخله در  
امور سیاسی امر میفرمایند :

"..... عدم تمایل چه فعلی و چه قولی به احزاب سیاسی و عدم اتفاق و  
مخالطه با پیروان آشوب طلبان و متمسکین با فکار مشوشه و صور موهومه  
خارجه، اهل بهاء چه در خارج آن موطن جمال اقدس ابھی را پرستش  
نماید و در احیاء و تعزیز و ترقی و ترویج مصالح حقیقه این سرزمین  
منافع و راحت بلکه جان و مال خویش را فدا و ایثار کنند. ولی به  
وساطتی فعاله و وسائلی الهیه متشبث اند. در تحسین اخلاق و تقلیب  
قلوب افراد و اصلاح ملت ساعی و جا همدندند در تاسیس و وضع قوانین و  
سنن و مشروعات مادیه حدثیه". (۲)

همچنین در توقیع مبارک ۲۷ شباط (۱۹۲۳) بافتخار احبای شــــرق  
تکلیف اهل بهاء را در مقابل احزاب سیاسی روشن میفرمایند :  
قوله الاحلی..... از امور سیاسی و مخاصمات احزاب و دول کل قلبا و  
ظاهرا، لسانا و باطنا بکلی در کنار و از اینگونه افکار فارغ و آزاد باشیم  
با هیچ حزبی رابطه سیاسی نجوئیم و در جمع هیچ فرقه‌ای از این  
فرق مختلفه متنازع داخل نگردیم. نه در سلک شورشیان در آئیم و نه  
در شئون داخله دول و طوائف و قبائل هیچ ملتی ادنی مداخله‌ای  
نمائیم و از حقیقت و جوهر این امر مبارک که اساسش مودت و وفــــاق  
است آنی غافل نشویم. امرالله را چه تعلقی با مورسیاسیه و چه  
مداخله‌ای در مخاصمات و منازعات داخله و خارجه دول و ملل.....  
الی آخربیان الاحلی" (۳)

---

(۱) کتاب امر و خلق جلد سوم (ص) ۲۷۵

(۲) توقیعات مبارکه جلد اول (ص) ۲۰۵

(۳) توقیعات مبارکه جلد اول (ص) ۱۲۰

## مسکرات وقما راز منهیات است

در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند: قوله الاحلی  
"لیس للعقل ان یشرب ما یدهب به العقل وله ان یعمل ما ینبعی  
للانسان لاما یرتکبه کل غافل مریب".

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح میفرمایند:  
"اما<sup>(۱)</sup> شراب بنص کتاب اقدس شربش ممنوع زیرا شربش سبب امراض  
مزمنه وضعف اعصاب و زوال عقل است".

حضرت ولی امرالله خطاب بمحفل مقدس روحانی مرکزی ایسران در  
توقیع مبارک ۱۹۳۲ میفرمایند:

"<sup>(۲)</sup> شرب خمر و تریاک از محرمات منصوصه حتمیه است لهذا اگر افراده  
اجتناب ننمایند و متدرجا ترک نکنند و از نصیحت و انذار محفل متنبیه  
نشوند و عمدا مداومت نمایند انفصال آنان را از جامعه بکمال حزم و  
متانت اعلان نمایند".

دستورات جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء و همصنین حضرت ولی  
امرالله ارواحنا فداه راجع به نهی مسکرات بسیار شدید است حتی احیاء  
از مشروب فروری و داشتن رستوران و مهمانخانه‌ای که در آن مشروب  
بفروش برسد نهی شده اند و میفرمایند مالکین باید ملک خود را از  
لوث اینگونه اموردنیه مصون و محفوظ نگهدارند.

حضرت عبدالبهاء با بیان شریینی به احیای نیریز پیغام میفرستند  
و میفرمایند:

"<sup>(۳)</sup> جمع اطباء را تکبیر برسانید و از لیهو و لعب منع فرمائید خمر محبت  
حضرت بی مثال و بادیه معرفت سلطان لایزال کل من فسی الملک را  
کافی است".

اما راجع بقمار در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند: حرم علیکم المیسر  
یعنی قمار به احیای الهی حرام شده که البته مضراتش بر همه واضح و  
معلوم است تا بودکننده است و خانه برانداز.

راجع به لاطاری سؤال شده هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء و حضرت

(۱) و (۲) گنجینه حدود و احکام (ص) ۴۲۹

(۳) گنجینه حدود و احکام (ص) ۴۳۱

ولی امرالله فرموده اند چون حکمش منصوص نیست به بیت العدل اعظم راجع است .

### شرب حشیش وافیون اکیدانهی شده

در کتاب مستطاب اقدس از قلم مشاعر اعظمنازل:

"قدم حرم علیکم شرب الافیون انانهینا کم عن ذلک نهیباً عظیماً فسی  
الکتاب والذی شرب انهلین منی اتقواللهیا ولی الالیاب "

حضرت عبدالبهاء در لوح تزییه و تقدیس میفرماید :

"(۱) مسئلهافیون کشیف ملعون نعوذبالله من عذاب الله به صریح  
کتاب اقدس محرم و مذموم و شربش عقلاً <sup>(۲)</sup>ضریبی از جنون و بتحریره مرتکب  
آن بکلی از عالم انسانی محروم و پناه بخدا میبرم از ارتکاب چنین امر  
فظیحی که بنمایان <sup>عادی</sup> انسانی است و سبب خسران ابدی . جان انسان را  
را بگیرد و وجدان بمیرد ، شعور زائل شود ادراک بکاهد ، زنده را مرده  
نماید ، حرارت طبیعت را افسرده کند ، دیگران نتوان مضرتی اعظم از  
این تصور نمود ."

"ای یاران الهی ترک دخان و خمر وافیون بتجربه رسیده که چگونه سبب  
صحت و قوت و وسعت ادراک و شدت ذکاء و قوت اجسام است . طائفه ای  
الیوم موجود که آنان از دخان و مسکرات وافیون محترز و محتنبند آنگاه  
طائفه بر طوائف سائره در قوت و شجاعت و صحت و ملاحظت و صاحت منتهیای  
توفیق دارند یکی از آنان ده نفر از طوائف سائره را مقامت نماید و این  
تجربه در عموم است یعنی عموم افراد آن طائفه بر عموم افراد سائره  
طوائف از هر جهت متوقفند پس همتی نمایند تا تزییه و تقدیس کبری که  
نهایت آرزوی عبدالبهاء است در میان اهل بهاء حلوه نماید و حزب  
الله در جمیع شئون و کمالات فائق بر سایر انواع انسان گردند و در ظاهراً  
و باطن ممتاز از دیگران و در رطها رت و نظافت و لطافت و حفظ صحت سر  
خیل عاقلان و در آزادی و فرزانی و حکم بر نفس و هوا سروریاکان و  
آزادگان و عاقلان "

(۱) از مکاتیب حضرت عبدالبهاء علیه السلام وک (ص) ۳۲۸ و ۳۲۹  
(۲) صریحاً یعنی نوعی (۳) زشت

در خاتمه کتاب این مناجات را از لسان مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء  
روح ما سوا ه فدا ه زیارت میکنیم .

ای پروردگارا اهل بهاء را در هر موردی تنزیه و تقدیس  
بخش و از هر آلودگی پاکی و آزادگی عطا کن . از  
ارتکاب هر مکروه نجات ده و از قیود هر عادت رهایی بخش  
تا پاک و آزاده باشی و طیب و طاهر گردند سزاوار بندگی  
آستان مقدس شوند و لایق انتساب به حضرت احدیت . از  
مسکرات و دخان رهایی بخش و از افیون مورث جنون  
نجات و رهایی ده و بیه نفحات قدس مانوس کن تا نشانه  
از باده محبت الهی با بند و فرح و سرور از آن جذایات  
به ملکوت ابهی حویند چنانچه فرمودی:

آنچه در خمخانه داری نشکنند صفرای عشق

زان شراب معنوی ساقی همی بگری بیار

از مکاتیب حضرت  
عبدالبهاء روح ما سوا ه فدا ه  
جلداول صفحه ۳۲۹

تفاضل میشود بنظور تغییر یافتن معنای مطالب کتاب قبل از مطالعه  
 نکات اشتباهی دریا کلمات و جملات حذف شده ماشین تصحیح  
 و لغات را نقطه گذاری نموده همزه و تشدیدها را اضافه فرمایند مانند:  
 اتمه الله، مؤمن، مؤمنین، مؤیده، مؤسس، مؤسبین و غیره

صفحه	سطر	اشتباه (کلمات حذف شده)	اصحیح
۷	۱۹	طبیعی	توانسته نظام طبیعتی را
۱۲	۱۹	موجودات مقدسه	نفوس مقدسه
۲۶	۲۰	الهی باشند (ی)	حقیقت الهی میباشد
۳۹	۸	خاشاک کف (د)	خس و خاشاک و کف
۴۱	۹	بوسیده مبادی (تعالیم د)	بوسیده تعالیم و مبادی که
۴۴	۳	مساعی	ترویج مساعی خیریه
۴۸	آخر	در زمان حضرت عبداله با چهار نفر (پس از صعود)	چند نفر دیگر هم پس از صعودشان بر این
۵۰	۸	هیکل مبارک حضرت (پلنگه)	هیکل مبارک کینفر از حضرت ایادیان
۵۰	۸	شکرت در کتف نههای (هریک از)	برای شرکت در هر یک از کتف نههای
۵۰	۲۲	ایادیان خویش را	منتخبی خویش را مشا در قاره ای
۶۷	۲۴	دریای طلم	اریاح طلم احاطه کرده
۶۱	۱۲	نه علوی که به (حرف ابتدا شود)	که بحرف ابتدا شود و حرف ششمی گردد
۶۹	۱۵	القا نمائید (و بنمائید)	القا نمائید و بنمائید اگر قبول شد
۷۳	۸	اهل بهاء چه (در ایران چه)	اهل بهاء چه در ایران چه در خارج
۷۳	۹	نمائید	پرستش نمایند
۷۳	۱۳	حدیثیه	حدیثه
۷۳	۲۱	مداخله ای ننمائیم (نمائیم...)	ادنی مداخله ای ننمائیم بخواهیم
			بهیج امری اقدام ننمائیم و از حقیقت